

تند او با لباس رسمی بمنزل قونسول رفته با کمال
مودت و دوستی ازان اتفاق استقامت نمودند و قونسول را
با کمال احترام بتوسلخانه آوردند در حالیکه افراد
سرباز صف کشیده دست موزیکات سلام دادند
و کدورت جناب قونسول مبدل بصا و مودت گردید
ولی هنوز از مجازات قاتلین خبری نیست و از قرار
معلوم ترمیمیان مقصر محترماً حبس نظری می باشند
یواسطه تنبیه و مجازات جمعی الواد و اشرار شهر
در کمال انطام و آرامی است. ناخوشی طاعون در
بعضی محلات کنار دریا روز کرده نذات جزئی
هم دارد. مردم مانند سابق بروضه خوانی و توسل
بسید الشهداء علیه السلام اشتغال ورزیده ولی هیچ
در فکر تنظیم شهر که کثافات فوق العاده باعث
تولید این مرض شده نیستند و از حماقت خود را
بچاه میکنند متوسل بآنچه هدی میشود. اداره بلدی
هم از زمان قضیه مائله میرزا مصطفی خاکی معاون
نظمیه تعطیل نمود. بکاری نمی بردارد بدر از همه
کارهایی که سابقاً نموده مانند تطبیح بازار و غیره باسر
معین القجار بو شهری خراب نموده مجدداً تصرفات
عیر جائزانه میکند. راه عبور را تصرف و مشغول
سکو بندی هستند. تخریب این ری که بموجب
قانون بلدی اقدام شده بود علناً سکتته باس
مشروطیت و بر ضد قانون اساسی است و مردم
عوام نیز جری شده بنای بدکون نهاد اند و مرتکب
مانهایت جرئت و تخریب و تضییع اصلاحات گمرسته
اند. آیا باین حال ممکن است در این شهر خراب
اجراء قانون نمود به والله. نه بالله. اغراض شخصی
چشمها را بسته ملاحظات کوشهارا کرده است فقط
ایده واری ترقی خراب است و اصلاح جو بیان
به کنایت و بیفرضی جناب مو قرالذوله حکمران
بنادوسی باشد و احتمال کلی دارد من قریب باصلاح
ادارات جدا اقدام فرمایند *

خبر نقل از روزنامه احیاء منطبه شیراز

این هفته هم مانند ایام گذشته ملت مظلوم بیدار
که تازه راه سعادت و خوش بختی خود را پیدا
کرده هر روزه در جلسات انجمن ایالتی حاضر قصاص
و تقاص و مجازات مفسدین را خوا ستاد و اظهار
تلم مینمودند . *

روز پنجشنبه ۲۷ ربیع الثانی تلگرافاتی بهر کس
و ایالات با مضامین عموم ملت از تمام طبقات طلاب و
تجار اصناف و مح برهای مملکت نوشته بودند نمایندگان
ملت هیئت انصار در انجمن ایالتی آورده که
تصدیق بر اکثریت آنها بنویسند تا بنام امالی فارس
در مرکز اعتبار شود

یکی از وکلای محترم میگوید شما که عموم ملت
نیستید چگونه انجمن چنین تصدیق بنماید؟ آقا محمود
معاون مرض میکنند است تمام طبقات حاضر شدند
برای اینست که عرصه راقایان و کلا نیک نشود و
نگویند خیال بلوادارند حالا که چنین میزنماید اخطار
میباشیم تا عموم اصناف دکا کین را بسته در انجمن
متحصن شوند. جمعیت حاضره فریاد کنان و یا علی
کشت جهت بازار و بستن دکا کین احرام مینمایند
نزدیک بود که بلوای عمومی بر پا شود. حسن تدابیر
عاقله آقایی وکیل الدوله رئیس انجمن محترم
ایالتی آنها را از این عزم منصرف، انجمن را خلوت
با اکثریت آراه تصدیق موافق رضای آنها مینویسند هیئت
انصار تلگرافات را بتلگرافخانه رده محابره مینمایند
در این موقع انتشار یافت که تلگرافاتی باسم کبابی
مجلس مقدس و کابینه وزراء محابره شده باضاً
محمدنادر و حواد و اسحق موسوی و چند نفر از تجار
رعلیه اقدامات ایالت جلیه دامت شوکت .

عصر همین روز جمع کثیری از علماء و تجار و اصناف
شهر در ارگ ایالتی جمع. مذاکره این مطاب بیان آمد.
گفتند اسحق نامی دوسلدله علما نداریم شاید اسحق
کابلی به اسحق موسوی مشتبیه شده. بعد بکه تاز
بیدان حریت و آزادی آقایی آقا سید محمد کازرونی
صاق مفصلی از تاریخ چندین ساله و اقدامات سلسله
قومیه خصوص از دوره منروضه در حضور آن
جمعیت مینمایند که باعث وقت حاضرین میشود
عموماً تصدیق مقالات ایشان را مینمایند. بالاخره
ری میدهند که فعلاً باید تلگرافی در تسریع عقوبت
و مجازات بنی قوام و رفع اتهام تلگرافات مجروح
محابره شود. صورت تلگرافی مفصل نوشته شد
قرائت نمودند. بعد از آن آقایان علما و تجار و دو
نفر از نمایندگان هیئت انصار حضور مبارک ایالت
جلیه دامت شوکته مشرف عموماً تشکرات قلبیه
از اقدامات حضرت انرف ایالت نمودند. سپس

علمدار حریت خطیب سابق انجمن اسلامی و انصار
آقای علم عالم - مایه یزدی تشکر قابل نمودند .
(فارس را نغمی از غیب ببخشید خدای)

(سایه بر سر اهلش بسر آمد محمود)

امروز، فریضه ذمه امالی فارس بلکه ایران
مساعدت و همراهی است با حضرت اشرف ایالت
کبری که خداوند طایفه بوجود این ایالت ماعقل و
کیاست روحی تازه به امالی این مملکت مرحمت
فرموده .

(خیر اربد بشیراز حلفت)

(یا نعمه الله دومی فیه و ازدادی)

از برای هر چیزی که در عالم موجود شود و
بیزلایم است . یکی وجود مقتدی و دیگری
رفع . مایه و امروزه از حسن اقدامات
این ایالت دارای هر دو شده ایم و امیدواریم

که سالهای دراز در زیر سایه مرحمتش که

حقیقت عدل و مساوات است استراحت کنیم .

(آهسته ناز و نعم که خزان میفرمود)

(عاقبت در قدم باد بهار آخر شد)

(بعد ازین نور بخورشید دهم از دل خویش)

(که بخور غمید رسیدیم و غبار آخر شد)

(بیت شاه الدهریا کهنه) (و هذا دعاء لایبیه شامل)

ایالت جلیله فرمودند تا کنون هنوز کاری

نگرده ایم که مورد تحسین ملت و دولت باشیم .

وقتی که این امنیت بخرای را دائمی نمودم

که عموم ملت در راحت باشند میتوانم بکارهای

خود افخار کنم ولی این نکته را هم می گویم

که نهفته و تکفته نماید . وقتی من میتوانم امنیت را

در این مملکت قائم نمایم که عامه مردم از روحانین

و تجار و امالی مملکت عموماً مساعدت نمایند . حضار

مذاق اظهار همراهی داشته . مجلس ختم . مرخص شدند

حضرت اشرف ایالت جلیله و انجمن محترم ایالت

روز شنبه ۲۹ ایالت کبری دامت شوکتها با انجمن

ایالتی تشریف فرما شدند . و کلاً محترم پس ازدادی

تشرکات از اقداماتی که در ایجاد امنیت فرموده نمودند

لزوماً امامت امنیت و ابناء ملت انتظام را بیان

کردند ایالت جلیله دامت شوکتها بیانی کافی و

فرمایشانی وافی لزوم همراهی اعضاء انجمن و عموم

افراد امالی را در قلع و قمع مواد فساد مدلل
داشتند . و کلاً عموماً این مراتب را تصدیق و همراهی
خود را اظهار داشتند دوام و بنای فرمانفرمائی

و ازدیاد شوکت و کامروائی حضرتش را از بارگاه

قدس احدیت مشتت نمودند . پس از صرف جوی

و شربت لایحه فارسی که به عبارات زرین و کلمات

شیرین آقای و کیل الدوله رئیس انجمن محترم ایالتی

ایشان فرموده بودند جناب آقا شیخ اسدالله قرائت

نمودند خیلی مورد تحسین و تمجید حضرت ایالت

شد سپس مقرر فرمانفرمائی و نایب ایالتی تشریف بردید

فاصله بی ساعت ملت مظلوم بایک میبجان فوق

انعامه و ازدحام کندی بری انجمن آمده آخرین لایحه

و اتمام حجت خود را که ذیلاً مندرج است پس از

اجازه از آقای رئیس آقای شیخ اسدالله قرائت

نمودند .

(بسم الله الرحمن الرحیم)

خاطر محترم و کلاً فضیلت دامت بر کاتم علی

الانام مسبوق است هواره در اقدامات ملی که برای

عموم افراد ملت دست میدهد جوی با حسان قوم

برخواستند و منافع عمومی را ترویج و در اذهان

عمومی اقامت میکنند . آنها را از ارباب و اشرف و

نه از صاحبان نفوذ و نه از ریاست طلبان و نه

از هوا پرستان هیچیک نخواهد بود . خیر ملت و

صلاح امالی از هر دهان بی غرض که بیرون بیاید

مقصد عمومی ملت و صلاح کلی امالی است .

پس قدمای ملت و هوا خواهان هیئت همیشه ضغفا

و قراء قوم بوده که بیرق سعادت ملت را بد و

دستی می گیرند اگر قدری انصاف دهم معلوم می

شود که حق را بیک نفر هم که بگوید باید پذیرفته

و اجرائش داریم . مادر این اتمام حجت یک حرف

حسابی داریم و تمام منصفین را هم بشهادت می

طلبیم . آیا پس از خرابی هشت ساله و دزدیها و

یضاگری و خرابیها و غارتگریها امالی فارس نباید

دستی باسراحت بیاسایند؟ آیا خائنین مملکت نباید کیفر

سوء کردار خود را به بینند؟ انصاف می خواهیم آیا

غیر از چند نفر هوا خواهان این ظلام خون آشام

کسی پیدا می شود که خلاصی پنج کرور امالی فارس

بلکه حفظ استقلال یک مملکت را منحصر بدفع فوری

این مفاسد نداند؟ ما بنام همان ورفهای رای که در

انتخاب وکلاء و امناء خود داده ایم امروز آخرین ابلاغ نهائی خود را نموده و صریحاً میگوئیم پیش از این تاب تحمل و مقاومت نداریم (عموم ملت مظلوم فارس) به بد قرائت لایحه انجمن محترم اباتی تلگراف ذیل را بخاربه نمود .

تلگراف از شیراز - بطهران

توسط نمایندگان محترمین فارس مجلس مقدس دارالشورای کبری شیداده ارکانه و خدمت دیشوکت کابینه وزراء عظام دامت شوکتهم سه روز قبل در باب اختیار نامه دادن (به ایالت جلیله) فارس تلگرافاً عرض نمود امروز میجان ملت در انجمن بطوری است که سریعاً منجر بفساد کلی خواهد شد بر اولیاء دولت فو بشوکت لازم است که فوراً اختیار نامه در مجازات بنی قوام و مفسدین (بایات جلیله) داده که رفع فساد مترقبه شود البته اولیاء دولت رضا باقی مملکت نخواهند داد و مبعلاً تکلیف ایات جلیله را مقرر خواهند فرمود. در هر دقیقه تاخیر ایجاد فساد غیر محصور است خصوص که حامیان مفسدین توسط سیم کبابی تلگرافات معمول بر کرسی نمایند (انجمن اباتی)

تلگراف

از کرمان به شیراز

مقام منبع ایالت جلیله فارس دامت شوکت عموم ملت کرمان شکران خود را از این نوع خدمت بزرگ بدون و ملت خاصه اهالی جنوب که دشمنان وطن را دستگیر فرموده ندیم میدارند و سرعت در مجازات بنی قوام را مستلزم دارند. نمره ۵۱۹ انجمن اباتی بتاریخ ۲۹ شهر ربیع الثانی سنه ۱۳۲۹ . . .

مکتوب از بوشهر

بیت کس را زکنند سرزاف تو خلاص

میکنی عاشق مسکین و نرسی ز قصاص

هفته قبل راجع بگرفتاری ولدان قوام که مکتوباً از شیراز رسیده بود زحمت داد البته از وضع اخراج و قتل نصرالدوله دو بین راه خاطرهما برصد استماع است. بحال وقعه این است. بعد از گرفتاری ایشان انجمن اباتی بر حسب مستدعیات و اطلاعات اهالی هر چند تلگراف نمود که فساد ایشان ثابت حکم عقوبت صادر فرمائید وزراء جواب می دادند باید بفرنگستان اخراج شوند. مردم متقاعد نشده غالب علماء و اعیان بر طریق در تلگرافخانه

اجماع . انجمن اباتی هم بایدان مشتمل شده بالاتفاق مخارات سخت بطهران در صدور حکم مجازات ایشان نمودند. در جواب ایشان تلگراف سخت رسید که بحکم دولت ایشان باید اخراج شوند. و تاده سال در خارجه به مانند و هرگاه در این خصوص تلگرافی نمودند جواب خواهند یافت. ایالت هم ایشانرا شب شنبه هفتم با چندین سوارهای دولت و غیره و شش نفر سوار از طرف قونسل انگلیس بسمت بوشهر حرکتشان داد یک فرسخ از چنار راهدار گذشته که سه فرسخی شیراز باشد ناگاه حیوانی از سوار بر مستحفظین حمله نموده پسران قوام بحساب شهر فرار و دو بین زد و حضور نصرالدوله تا پنج نفر مقتول شدند و قوام فراراً به شیراز مراجعت و در فونسلخانه انگلیس متحصن گردید. پیش از این از کیفیت و چگونگی این قضیه کسی چندان اطلاعی ندارد. حقیقت را هفته بعد می نگارد منتقم حقیقی کنون انتقام کشیده و مجازات دهرش مبتلا ساخت

اسگشت مکن رنجه بدر کوفتن کین

تا کس نکند رنجه بدر کوفتن مشت

چند روز قبل هم نجفقلی خان رئیس طایفه همهلوا

بحکم ایات بدار زده و اسپار دیار عدم گردید.

بلوچستان

در روزنامه جبلالتین شماره ۴۱ مرقوم رفته بود که قشون انگلیس وارد سواحل مکران شده است. لهذا لازم آمد که چگونگی آنها را عرض نمایم. در روز دو شنبه دوم ابریل بسر کردگی (کرلی دلامن) یکهزار نفر سرباز و توپچی وارد کالاک شدند اسامی جہازات جنگی و غیره که در آن بندرگاه حاضر بودند ازین قرار است.

جهاز فلای که امیرالبحر انگلیس در آب بود جهاز (فیلومل) - جهاز هر سیور - جهاز اسپیکل - جهاز تمیل - جهاز زکارنجا - جهاز هارویج جهاز نارت بروک - جهاز میتو - دره وقع بخاک آمدن دو قاطر غرق شد ۳۰۰ واس قاطر جماعاً بودند تقریباً دو بیست نفر شتر هم به کرایه گرفتند سردار سعید خان که چند بیست دولت او را بی در بی تلگرافاً میخواست بجهت عبور حرکت نماید یعنی از طرف فرمانفرمای کرمان هر روز بیك بهانه نمره میزد او هم در این اودو شامل بود با ۳۰۰ نفر

که مدت هشت ماه مواجش رسیده بود و تمام تفنگچیان هم داد و فریاد میزدند جلوگیری از پول كرك نمود و موجودی كرك را حیرتاً ضبط کرد آقا میرزا کریم خان اصفهانی که مدتی است بریاست كركات بلوچستان مقرر شده و از فرار مسموع در این مدت در چنین سرحدی بطور اباقت و صداقت رفتار نموده است در صدد دفاع نیامده جز آنکه اداره كرك را به یکی از اجزاء خود سپرده و به استناد عباس شکایت اداره مرکزی باید **حکایت تلگرافات خارجه**

۱) در دعوت عمیرانه که (لارڈ هالڈین) از امیر اطور آلمان نموده بود، لارڈ کرزن، لارڈ مارلی و سر رمزی میگذانند حاضر بودند. ۲) امیراضور و امیراضربس آلمان با پادشاه و ملکہ انگلستان به (وندزور) رفته، در سر مقابر ملکہ وکتوریا وارد و در هفتم مراسم ترحیم بجای آوردند. ۳) پرنس آرثر آف کینات بازار گهی را که بمناسبت جشن تاجگذاری خارج بجم نیبه شده بود افتتاح نمود.

(۱۹ ج ۱ - ۱۹ می)

۱) امیر اطور آلمان از بدیرائی اهالی انگلستان خوشوقت گردیده، خصوصاً در موقعیکه از (وندزور) مراجعت میفرمودند اهالی با صمیمیت تمام باستقبال شتافته بودند. ۲) در دوماهی روس موده قانونی امضا یافته که برای دریای (بالٹیک) چهار فروند جہازات زره پوش جنگی نیبه و تدارک شود. ۳) از خبر صلح (مکسکو) اهالی را آرامی دست داد، خاصه بمناسبت اینکه خارجه را بهسانه مداخلت بدست نیامد.

۴) بموجب تلگراف پاریس اردویی تحت امر (جنرل مونیر) از رود خانه (بیجت) عبور نموده از احاطه تلگراف بی سیم خارج شده، از اینرو تا چند روز از وی خبری نخواهد رسید.

۵) اردوی امدادی فرانس در مراکو با کمال سرعت بطرف رودخانه (مولایا) در حرکت است. اردوی (مسیو یونست) فاصله دو روز تا (فاس) رسیده، بموجب رپورت وی شهر کهنه (فاس) در قبضه باعبیان در آمده است، قبائل اعراب (شرارده) او را تهدید می نمایند، ولی امید میرود که سریملاً ملحق به اردویی (کرنل بولارد) گردد.

بلوچ چون که دولت انگلیس قدری اضافه مواجب در حق او مقرر نموده است همراهی با اردوی انگلیس را ترجیح بر رفتن به پور داد، بالجه تمام قشون انگلیس حرکت بحجاب بنت نمودند که راپورت شده بود اقبان آنجا است.

از بندر کالاک تا بنت تقریباً چهل مایل انگلیسی است، و ورود بنت سردار اسلام خان را ملاقات نمودند جوپای فغان شدند جواب داد که ابدانمان در این حدود هست و بموجب فرار دادی که با (مستزلی) دادم از آن تاریخ تا بحال احدی از اقبانمان را راه ندادم.

در مراجعت از بنت اردو دو قسمت شد قسمی بطرف جاشک در چهار ما دیج و تیره روانه شدند، اسماً روی ابدان فغان در آن حدود هستند ولی رسماً بجهت دستگیری امیر برکت خان که گفته بود اگر ماهی هزار روپیه در حق من مقرر شود اخاعت از شاه محوام مسخر و سستی هم نخواهد نمود از فرار مسموع اردو نیبه بطرف بیابان رفته بود حق بشاگرد هم خیال داشته بودند، چون امیر برکت خان در انجا منزل دارد.

اخبارات داخله بلوچستان

سردار بهرام خان بلوچ که مدت دو سال است قلعه ناصری را متصرف و تمام قورخانه دواتی را تلف و نابود نموده است خطوط تمام سردارهای بلوچ نوشته و امداد حواسته است که برود قلعه به پور را تصرف نماید چون اردوی دواتی چندبست در به پور توقف دارد و ابدأ کاری زایش برده ازین جهت سردار بهرام خان جیور شده است سایر سردار ها هم به اجبار شده تا بحال رفته اند متسر هستند که به بند بهرام خان چه میدهند ولی سردار سعید خان که قدری از دوات میترسد پیشی خود را با قدری وجه و تعارف روانه به پور نموده که راپورت صحیح بدستش نیاید آنوقت نیاید حرارت کند بسمت به پور، اگر حضرت والا فرمانفرمای کرمان اراده داشته باشد که بدون قتل و غارت قلعه ناصری تخلیه شود جداً سردار سعید خان را نخواهد و مامورش نماید بجهت تخلیه قلعه آنوقت بهرام خان بدون جنگ فرار خواهد کرد یعنی انگشت خود او در کار هست.

اخبارات چه بهار

در جندی قبل تلگرافی از دیواییکی بجهت رضا قلیخان نامی که رئیس تفنگچیان ساخلوی چه بهار بود رسیده که موجودی كرك را بگیر مشارالیه

میر برقی تعمیر راه آهن دولت چین مسلك تازه
 اختیار نموده ، چنانچه (تون فنگ) را که از
 اختیار نموده بود طلب و ریاست راه های
 آهن برگزیده است ، و دستور العمل داد که
 تمام شاخه های آنرا از طرف دولت تعمیر نماید ،
 و شاخه های هم که از طرف دیوان ها تعمیر
 شده وسائل قبضه آنرا تدارک کند .
 (۲۰ ج ۱ - ۲۰ می)

نیز پادشاه مخلوع (بور و گیز) با امیر اخور و
 امپراطریس آلمان ملاقات نمود .
 نیز بین (ژاپون و سویدن) عهد نامه تجارتی
 بسته آمد .

نیز بموجب خبر (لندن) کوروزایر (ادم
 استور) بحباب (اوپرتو) رهسپار گردید و چنان
 تصور می شود که آثار بلوا در آنجا پایان
 گردیده است ، در قید حدت بزرگ (لندن)
 دیروز بلوای پیش آمده بدون سرایت بخارج رفع
 گردید .

نیز بنکهای امریکا و آلمان و فرانس و انگلیس
 بقرار نامه استقراض راه آهن (هوکوگ) امضا
 نمودند ، ۶ میلیون لیرا فعلاً و چهار میلیون در
 آتی ، بسود صدی پنج خواهند داد و در مدت
 چهل سال ادا خواهد شد .

نیز امپراطور و امپراطریس آلمان امره ز بحباب
 (شیریس) رهسپار ، و اعلیحضرت خارج
 بحجم و ملکه (میری) و سایر شامرادکف در
 مشاعیت ایشان حضور داشتند ، امپراطور مکرر
 اظهار امتنان از بذریای شاین ایشان میکردند .
 امشب امپراطور در جهاز خود شان توب و
 علی الصباح روانه خواهند گردید .

نیز مخبر (روتر) از امیر اخور آلمان اجازه
 یافته که اهلان نماید مسرت ایشانرا از بذریایهای
 اهالی انگلستان .

نیز اراکین سلطنت آلمان از حسن بذیرانی اهالی
 انگلستان و کامیابی امیر اخوری در این سیاحت
 اظهار خوشوقتی می نمایند ، جوش اهالی و همدردی
 جبراند در این اتحاد کسب اهمیت نموده است ،
 اخبار رپسی آلمان (الجپاین زینک) امید ظاهر
 می نماید که این بذیرانی اهالی انگلستان بهترین
 سبب اتحاد دو تین گردد .

نیز در نهانی مسافرت بلوت از پاریس الی
 مدریدیک از بلونیا توکیده ، صدر اعظم و وزیر

جنگ فرانس مجروح گردیده اند .
 نیز (مسیورنو) وزیر جنگ فرانس بواسطه
 جراحتی که از ترکیدت بلون یافته بود بدرود
 زندگانی گفت و با مراسم ملیه تجهیز و تکسین
 خواهد شد .
 نیز دولت آمازون مسوده رفع مناقشات را به
 نائی و دولت آلمان تقدیم نموده است .

نیز جنرال (مادیرو) در حین رخصت از اروگو
 اظهار داشت که من برای تشکیل و تعمیر حکومت
 مکیکو میروم ، از اینر بلوایات شالی باماکن
 خویش عودت میمانم .
 (۲۲ ج ۱ - ۲۲ می)

یکصد و بیجاه نفر بلوایان حبس خانه (لندن)
 را به افریقا فرستادند .
 نیز (مسیومونس) صدر اعظم فرانسه که از
 ترکیدن بلون مجروح شده بود اندک اندک رو بصحت
 نهاده ، اعلیحضرت پادشاه انگلستان و دول سایر
 از این حادثه ناگوار بدولت فرانسه اظهار همدردی
 و تأسف نموده اند .

نیز بموجب تلگراف پاریس در سرحد الجیریا
 و مشرقی مراکو قشون فرانسه را اعراب صدمه
 میرساند ، چنانچه اخبار رسمی جنگ (الواما)
 را که ۱۵ ماه جاری وقع شده بود مشروحاً چنین
 مینویسد . مقتولین قشون فرانس یک کیتان ۲۷ سرباز
 مجروحان شان یک لذت و ۶ نفر غم آمدند .
 نیز بموجب تلگراف مدرید در (پورتوگیز)

شورش علنی یا سری نمایان است .
 نیز بحسب تلگراف مدرید قبائل اعراب برادر دی
 (تورپرت) حمله نموده آنها را عقب نشانده و از
 رودخانه (مولایا) عبورشان داده اند *
 (۲۳ ج ۱ - ۲۱ می)

نیز با اینکه امپراطور (آستریا) بوظایف سلطنتی
 مشغول ، در آمد ، شد هم هستند ولی جوش
 ایشان را مرض سرفه نمایان و دایر (بیوسن) طلب
 شده اهالی را شبهه دست داده قیمت سندات استقرضی
 دولت نزل نموده است *

نیز دولت جبر بذریه نمایند خود جمهوری مکیکو
 شکایت از قتل چینیان که بدست بلوایان شده نموده
 و من جبه مقتولین (توری ون) بوده که یکی از
 صرافان است *

نیز بریاست انجمن جغرافیائی سلطنتی لندن لارد کرزن
 انتخاب شد *

§ در انجمن وسط آسیای لندن (مسیوشیرادیم)
 رانسوی این نطق خود اظهار داشت از امتیازی
 که کپانی راه آهن بغداد در کشیدن راه آهن از بغداد
 الی (اسکندرونه) یافته ، آلمان بدری بسیار متنا
 در دریای (مدیترانه) حاصل نموده اعتبارات بلژیکی
 این امتیاز در آید آشکارا خواهد گردید ، و پس
 از چندی دول روس و انگلیس و فرانس براس
 محافظه امراض خودشان مجبور به برخی او دامت
 خواهند شد ، (مسیو و سیتینسکی) روس اظهار
 داشت که مامور است از صاحب سیه اظهار دارد
 که دولت روس در اتحاد فرانس و انگلیس می تواند
 کار کند و کار روان اتحاد ثلاثه منحصر به
 اتفاق آنهاست ، ماضی را عقیده این بود که تا
 کنون اتحاد ثلاثه روس و انگلیس و فرانس را موقع
 آن هست که جلوگیری از اعراض بلژیکی راه آهن
 بغداد نماید *

§ اردوی جنرال (مویر) وارد قاس شد و تمام
 رعایای خارجه را ساء یافت و بدون ایند يك عليك
 تنگ شود وارد شهر گردید *

§ (لارد کروی) هم دو سه روره اداره
 وزارت هند خواهد رفت *

§ اهالی فراسه از رسیدن مدد ناس بدون مانع
 اظهار مسرت نموده و جنرال (مویر) را تبریک دادند
 چنان تصور میشود تا تمامی امر فاس منحصر بر این است
 که حیثیت ملی و قشون سلطان تکمیل یافته مقتدر
 به تعمیر خرابیها و سرکونی باعیان گردد *

§ بر حسب تلگراف پترسبرگ سفیر روس یادداشتی
 با بابالی بدین مضمون پیش نموده که جمع شدن
 قشون عثمانی در سرحد جبل اسود مورث خطر امنیت
 عمومی تواند گردید ، اجتماع قشون قره مانع که برای
 سیانت خود نموده خطر ناک بی نظر نمی آید و امید
 نموده است که دولت عثمانی رسماً اعلان نماید که مرض
 وی از اجتماع قشون و قراری صلح و امنیت است
 § جهاز جنگی عثمانی در سواحل دریای احمر
 دو ده که محل فرودگاه اسلحه قاچاق بود با توب
 خراب نمود ، از آن به بعد جهاز مذکور در شهر
 (کوکا) که مرکز تجارت اسلحه قاچاق شناخته
 میشد شلیک نمود ، دو نفر عمده جات جهاز مذکور
 محروح گردیدند *

§ اعلیحضرت جارج پنجم مند وزارت هند را
 مجدداً به لارد کروی مرحمت و همین چند ووزه
 بموده خویش متمکن خواهد گردید *

(۲۰ ج ۱ - ۲۰ می)

§ بموجب تلگراف (روم) خبریکه در خصوص
 جانشینی دبیره (منلیک) اشاعه یافته بر اصل است همینقدر
 قابل تصدیق است که (لاج جیسو) و نظایف
 پادشاهی را انجام میدهد *

§ بموجب تلگراف بیویارک از انکار رئیس جمهوری
 (مسر دانید) که قبل از نخستین استعفا خواهد داد
 بلوا بالا گرفته قشون و پلیس بر بلواییان شلیک نموده
 بسیاری را مقتول و مجروح ساختند *

§ در پارلمان آلمان مسوده مباحثه تجارنی آلمان
 و ژاپون دفعه اول قرائت و امضا یافت و به کیسون
 دارالشوری خواهند سپرد *

§ وزیر مختار چین در هولاند رای ترمیم عهد
 نامه سال ۱۸۸۱ به پترسبرگ خواهد رفت *

§ بموجب تلگراف (توکیو) در خصوص مسوده
 محکمه نالی که امریکا پیش نموده عنقریب زاپوت
 شروع به مکاتبه خواهد نمود *

§ دیش در لندن دربار سلطنتی منعقد و مباحثه
 (بیاله) و نواب والا آقای سلطان محمد شاه آغاخان
 را حای گاهی بس رفیع بخشیدند *

§ اعلیحضرت جارج پنجم بموده بیلد مارشلی فوج
 بروشای آلمان را افتخاراً قبول فرمود *

§ رئیس جمهوری مسر دانید استعفا داد
 (سنور دیلا بارا) موقتاً بریاست جمهوری مکسیکو
 بر قرار آمد و مجلس پارلمان مکسیکو استعفای مسر
 دانید را قبول نمود *

§ بموجب خبریکه رئیس قشون روس در بامبر
 اعلان نموده در زلزله فروری که در ترکستان
 روسیه واقع شده بود بیج دهات ویران و ۱۲۸ نفر
 هلاک شدند *

§ بموجب تلگراف جنرال (مویر) پس از ورود
 بشهر قاس در یکی از باغات دولتی که بنا شده یک
 میل از شهر بود قیام و اردوگاه خویش قرار داد
 اهالی اروپا ساکنین قاس با کمال گرمجوشی و بر تبریک
 ورود نمودند ولی سایر ساکنین قاس از ورود وی
 اظهار مسرت نکردند *

جل المتین کلکتہ

مدیکل کالج استریت نمبر ۲

CARLUS MATIN OFFICE
4, MEDICAL COLLEGE STREET
CALCUTTA.

(کلیه امور اداره با)

مدیر کل مؤید الاسلام است

(هر دوشنبه طبع)

(هفتشنبه توزیع میشود)

(یوم دوشنبه)

۷ جمادی الاثانی ۱۳۲۹ هجری

(مصادف با)

۵ جون ۱۹۱۱ میلادی

ولا حق اخذ اپنه بدون قبض ندارند و وفاق که

(۵۰۰ تریکین را قبض مخصوص سال هجدهم است نباید)

(ذمه شان بری شناخته نمیشود)

ناهه مقدسه

(قیمت اشتراك)

سالانه -- شش ماهه

(هند و برمه)

(۱۲ رويه -- ۷ رويه)

(ایران و افغانستان)

(۴۰ قران -- ۲۰ قران)

(عثمانی و مصر)

(مجیدی -- ۳ مجیدی)

(اروپا و چین)

(۳۰ فرانك -- ۱۶ فرانك)

سنة ۱۳۱۱

مراسلات مخصوصی بدون امضای

(معروف اداره درج نمیشود) (۱۰ مائت -- ۶ مائت)

المتین

در این جریده از هرگونه اخبار و وقایع سیاسی و منافع دولتی و فواید ملتی بحث میشود
(مقالات عام المنفعه مقبول و در انتشارش اداره آزادست)

تاجگذاری پادشاه انگلستان

(و سفارت فوق العاده ایران)

جناب میرزا محمد علی خان علاءالسلطنه وزیر معارف و اوقاف و فواید عامه از جانب دولت ایران بسمت سفارت فوق العاده و شرکت در جشن تاج گذاری اعلیحضرت جارج پنجم بطرف انگلستان رهسپار آمدند .

علاءالسلطنه از قدمای رجال و به چهار پادشاه ایران خدمت و از عنفوان شباب درجه بعد درجه ترقی کرده و بالقاب و مناصب شایسته نائل آمده و امروز بسفارت فوق العاده و شرکت در این جشن عالی نمایندۀ محترم دولت علیه ایران شدند .

علاءالسلطنه شخصی است کم گو بر فکر واقف بمواقف عصر و مطلع از پلتیک، دو خدمات دیپلماتی در نقاط مختلفه تجربه های عمده حاصل کرده سالی چند بمجنرال قونسلیگری هندوستان و شانزده سال بوزیر مختاری دولت علیه ایران در لندن مامور بودند ، دو نوبت بوزارت خارجه ایران نایل و اکنون وزیر معارف و اوقاف و فواید عامه که از وزارت های مهمه است میباشد .

علاءالسلطنه دارای نشانیهای ذی شان از غالب دول و سلاطین بزرگ هستند و نشان های بزرگ دولت و لقب های عمده صلتی ابرایش را یافته

خطاب (برسی) هم دارند و تخمیناً هفتاد مراحله زندگانی را با نیک نامی طی نموده و میتوانیم گفت در این مدت مدید و ماموریت های چنان عملیکه منافی با دولت خواهی و وطن پرستی از ایشان باشد سراغ نداریم، و بهترین تمجید و تعریف رجال قدیمه ما که در ادوار استبدادیه پرورش یافته همین نکته است که حرکات منافی وطن پرستی از ایشان به یادگار نمانده باشد، چه زمان استبداد دوره خدمت نبود، البته امروزه موقع خدمات ایشان در رسیده و امیدواریم که معارف ایران را اسی با مسی سازند و یادگار بزرگ تاریخی از خودشان باقی گذارند ، میتوان تصدیق نمود کمال حسن رعایت و منتهای ملاحظه موزونیت در این ماموریت شده است و امیدواریم سفارت فوق العاده بر این ماموریت بزرگ هم خدمات شایان بوطن محبوب خودشان نمایند،

ترباک ایران و چین

بک از صادرات عمده ایران بخارجه هانا ترباک است . ترباک ایران بافلاق اوباب فن اگر از روی صحت ترتیب و تربیت شود از غالب ترباکها بهتر است و این تجربه از اصول جوهر سکنشی ثابت گردیده است، و از اینرو ترباک ایران برای کشیدن جوهر خیل در اروپا مصرف میشود، این تجارت چند نوبت در ایران ترقی و تنزل نموده است ،

اختیار حکومت است

اینست که راه تغلب در تریاک هند کم و منافع
تجار هم از این نجات خیلی نیست. از این دو
چندیست هم مال چین یعنی بھاریکه طرف رجوع
تریاک ایران بودند بخیال جنب منافع عمده از این
تجارت در ایران اوقاده می خوانند در این چند
ساله اخیر که آخر عمر این تجارت است خرید
و فروش تریاک ایران را منحصر بخود سازند و
راه جلب این فایده را در این دیده اند که اولاً
اتحاد نموده از قبول رجوع بھار امتناع کرده
بلکه این تجارت عمده و منافع را منحصر بخود سازند
یعنی خودشان در ایران تریاک تمام نموده و از کابله
بھار ایرانی هم باصول انحصار قیمت نازل تریاکها
را خریدند. حل بچین نمایند. و از منافع عمده روز
افزون آن که همه روزه تا خانه این تجارت در
ازدیاد خواهد بود فایده برگیرند. این است که در
این ایام به بھار ایرانی از یک طرف اعلام نموده
به قبول فروش تریاک های ایرانی و این که رات
هم بر سر آن باشد بمباید و از طرف دیگر
خودشان آدم گذارند هم تریاک تمام میکنند و
هم تریاک موجوده بھار را بنیت نازل می خریدند
چون بھار غنلت زده ایرانی از اوضاع عالم بی
خبرند و خودشان را سال های دراز است اسیر
این چند نفر نموده و کرورها با آنها فایده رسانده
خویشتر را در این موقع بھار دهنده چون مکس
دست حسرت بر سر نهاده فریاد سپوده می زنند
و درصدد جاره این امر که خیلی آسان است بر نمی آیند
طرف رجوع بھار ایران در معامله تریاک
عمده چهار نفرند. اول ای دی. ساسون. دوم
داوود ساسون یهودی. سوم مستر تلاتی فارسی.
چهارم حاجی محمد حسن نمازی تاجر شیرازی ما از
دیگران چندان توقع نیست که کوشش در منع خود
و زمان نوع نمایند ولی از جناب نمازی هرگز متوقع
بودیم که بخساره مملکت و بھار ایرانی هم جنس خویش
متحد و متفق گردیده و مخزنی منع موقف قانع شوند
دامان را پوشیده نیست که عمده فایده بھار
ایران از تجارت خارجه میبرد و جا خالی صادرات
مملکت را بر می کنند اینست که غالب صادرات ایران
دو خارجه بدست خودشان یعنی بھار ایرانی فروش
میرسد. برای توضیح مطالب بگویم مثلاً یک صندوق
تریاک در ایران صد تومان قیمت دارد و در
اسنانتیک صادرات کرک هم صد تومان نوشته میشود
و در خارج صد و بیست تومان بفروش می آید. اگر
فروشنده آن در خارج ایرانی باشد فی الواقع صادرات

در این جنس نفیس نمودند با آن همه برتری
قیمتاً از تریاک های سایر ممالک دو خارجه کتر فروش می رسند
حاقبت کار را بچین رسانیدند. که بکدنه تریاک
که نام ایران داشت نامرغوب و نا فروش ماند و این
نکته بهترین بهانه برای عمال فروش تریاک شده فایده
های عمده برده و بھار ایرنا دچار خسارات عظیمه
ساختند. پس از آن خساره بزرگ و جلوگیری دولت
تا اندازه بھار ترک تغلب کرده تریاک های خالص
خوب تمام نموده مجدداً این تجارت را رونق بخشیدند
امروزه تریاک ایران در چین خیلی مرغوب و طالب
دارد ولی عمالیکه در چین نشسته چون تا کنون از
بی علمی ایرانیان منافع عمده برده نروت های هنگفت
انباشته هنوز رضا نداده اند که تریاک ایران قیمت
عاده فروش رود. و چون عمالیکه در چین نشسته
و طرف بھارت تریاک ایران است انگشت شمار
می باشند برای جلب فایده خویش غالباً بیک دیگر
اتحاد نموده منافع عظیمه می برند. این ایام بھار
دولت چین در صدد ترک بھارت و زراعت تریاک
برآمده و با دولت انگلیس معاهده بسته که تا هفت
سال دیگر فرستادن تریاک را از هند موقوف دارد
و همه ساله پنج هزار صندوق از بھار بھار
قبل فرستاده کتر فرستند. عمال چینی که تریاک ایران
را هم می فروشند در آخر عمر این تجارت مصمم
شده اند که هر قدر می توانند منافع عمده از تجارت
تریاک ایران بردارند. چه هر قدر حکومت هند
سالانه از عمده صادیق تریاک بھار می فرستد
که نماید بر قیمت آن افزوده خواهد شد. جنس بھار
سابق که بھار و پنج هزار صندوق تریاک دو کالکته
بری چین هراج می شد فی صندوق هزار الی هزار
و دوست روپی بھار فروش می رسید اینک که عمده
فروش صادیق هند به سی و پنج هزار و شش صد
رسیده صندوق سه هزار و بانصد و بالاتر در
هراج کلکته فروش می شود. و هر سالیکه بر حسب
معاهده چین پنج هزار صندوق کتر شود به همان
میزان بلکه بیشتر بر قیمت او خواهد افزود. و
مثلاً به همین میزان ها بلکه بیشتر تریاک ایران هم
ترقی قیمت خواهد نمود. عمال چین یعنی بھاریکه
در چین دست فروش تریاک را دارند نمی توانند از
تجارت تریاک هند فایده عمده حاصل کنند. چه این
تجارت کاملاً به اختیار و دست حکومت است تریاک را
حکومت تمام میکند و جمله صادیق مھر حکومتی می خورد
و در هراج حکومتی هم بفروش می آید و تا وقتیکه
وجه آن داده نشود ربر جهاز حمل نکرده کاملاً در

ملکیت صد و بیست تومان شده نهایت رسماً در کربک
 صد تومان محسوب آمده است ولی اگر فروشنده
 آن در خارج اجنبی باشد آن بیست تومان اضافه
 میجوقت به ثروت مملکت نتواند افزود ، و در
 حقیقت اگر غور شود عمده سبب ازدیاد ثروت
 ایران با این که سالی چند ملیون کسرسادات دارد
 این است که تا کنون طرف فروش عمده صادرات
 ایران در خارج تجار ایرانی اند ، و اگر تجار
 اجنبی فروش اتمه ایران را در خارج از قبضه
 ایرانیان خارج نمایند مسلماً سالی ملیون ها خساره
 بر ثروت مملکت وارد خواهد آمد ، و نیز ایرانیان
 راست که حتی المقدور نگذارند تجار خارجی در داخله
 مملکت شان بر تجارت واردات مملکت از خارج
 اقدام کنند ، که بهمین اصولیکه بیان شد در آن
 صورت خیل بر قیمت واردات خواهد افزود و
 از ثروت مملکت خواهد کاست .

غرض این نیست که ایرانیان اتمه خارج را
 بخرند بلکه کوشش نمایند که از کار خاجیات
 بارویا اتمه وارد نموده ولی در داخله مملکت تجارت
 آن اتمه را منحصر بخود قرار دهند و نگذارند
 که خارجیان منافع داخله تجارت اتمه خود را هم
 ببرند ، و این مسئله یکی از مسائل بزرگ اقتصادی
 است و در اساسیات هم خیلی اثر تواند بخشید .
 اگر خداوند ما را مهلت دهد و انقلابات ایران
 بگذارد مقالات مفصل در این موضوع خواهم
 نگاشت .

اگر جناب حاجی محمد حسن نمازی کلیه فروش
 تریاک ایران را هم منحصر بخود نمایند ناراض نیستم
 چه ایشان یکی از انای وطن محبوب ، و ضعیفان
 نفع ملت است ، ولی هرگز زمینده نمیدانم که
 بری یک عشر نفع خود به عشر ثروت ملت را بحیب
 اجنبیان فرو برند و خواهش می کنیم که از این معاهده
 تفاهیه خارج شده به تجار محترم اعلام فرمایند که
 اطرف رجوع کاملاً خودشان واقع شوند ، و از
 تجار محترم ایران خصوصاً جناب حاجی محمد حسین
 صاحب تاجر کاندوزی که همواره در ازدیاد ثروت
 مان اقدامات مجداه فرموده خواهش می نمایم در این
 وقع هم همت سکرده نگذارند چند نفر بیگانه
 روت آنان را بشرق دست بر ایگان ببرند و یک
 ر سر کیس نام اجنبی در اصفهان آنقدر زیادت
 تجار محترم نماید .
 آیا هنوز هم موقع آن نرسیده است که تجار

کاروان مجین فرستاده و متحمل این خسارت عظیم نگردد
 هرگز تصور نکنند که در ممالک خارجه دیگران
 بتوانند سنی در جلو راه پیشرفت عامل آنها
 بگذارند بعقبده ما اگر تجار ایرانی چند نفر عامل
 در چین و امریکا برای تجارت قالی و تریاک از
 خود شان بفرستند سالی ملیون ها بر ثروت مملکت
 خواهد افزود ، علاوه بر این تجار ایرانی
 بدانند که از این و بعد رونق تجارت در وطن
 شان بالا خواهد گرفت و از حالا تجار با علم خارجه
 طرف توجه خود شان را ایران قرار داده اند اگر
 تجار ماهوش نمایند و مرعوب آنان شوند مثل هندو
 سایر جاها تجار بومی حال و اگر خیل ترقی کنند
 دلال آنها خواهند شد .

حالا که ابتدای رونق تجارت ایرانست خوب
 است تجار محترم اتفاق نموده بکارهای اقدام کنند
 تا تجار بیگانه بر آنها چیره شده در داخله
 مملکتشان بر آنها غلبه نجویند ، از اتفاق چهار نفر عامل
 که عمده ثروت آنها از شما حاصل شده سه مشق آیرند .
 تجار محترم رکن رکن مملکت هرگاه اتفاق نموده
 و از روی علم و وسیرت اقدام کرده هم خود فائده
 برده و هم مملکت را به ثروت تواند رسانید این
 اولین میدان است که تجار خارجه میخواهند بشرق
 دست از تجارت ، تمار در داخله ما فائده برگیرند
 ، اگر در انوقع از روی صحت اقدام میکنند برای
 آتیه در سایر امور آسوده تواند زیست ، ورنه
 همه روزه در سر هر مسئله یک گریه تازه برای
 آنان رقم خواهد شد

دوات ایران را نیز خیلی شایسته است که در
 این موقع اگر مقتضی باشد مستقیم ورنه بطریق غیر
 مستقیم به تجار مملکت خود فائده رسانده از آنها حایه
 نماید ، و در صورتی که بشود چند نفر اجنبی
 تجارت تریاک را منحصر بخود سازند و فائده عمده
 برگیرند چه زیان دارد که این انحصار را دوات
 نموده و این فائده باید مملکت گردد چنانچه در
 غالب ممالک مانند هند و غیره مروج است

دوات ایران وقتی که تریاک بریج این قیمت فروش
 می شد قرار داده بود که یک مقدار قبلی از هر
 صندوق که خارج نمود کربک بگیرد و امروزه قیمت
 آن چهار برابر شده ، خوب است مدیر کل کربکات
 در این نکته اهم که ممکن است سالانه مبلغ هنگفتی
 بدولت فائده ماید شود صرف نظر ننماید ، و نیز در

انوس که رجال غالب دولت ما عهدنامه تجارتی با امارت‌های کوچک حاصل اروپا می‌بندند و بیفایده سالانه میلی خراج کرده نمایند به آنجا میفرستند ولی با دولت چین و ژاپون که میتوان هزاران فائده از آنها حاصل نمود معاهده سیاسی و تجارتی ندارند امروزه اگر نمایندگی ایران در چین بود در همین موضوع میتوانست به نهار ایران کمک عمده نماید بالجمله بتازکی بموجب اعلامیه امریکا خواهد داد کانگرس در هیئت منعقد و در موضوع تریاک و تجارت و زراعت آت بحث نموده برای آینده تصفیه ناطق خواهند نمود، معلوم است که نمایندگی ایران هم در آت مجلس خواهد بود ولی تنها موجودی نمایندگی حفظ حقوق ملت و دولت را نتواند کرد، خوب است از حالا نهار محترم در این موضوع با وزارت تجارت و خارجه طرف شوند و مراسله نموده معلومات خود را و اصول حفظ منافع ملی را درین تجارت کاملأ بر آنها نموده نمایند که از طرف ایران به هیئت فرستاده خواهد شد از روی علم و بصیرت سخن رانده تا دستورالعملهای فائده‌آمدات لازم بنماید و به بجای نفع زبان برده و حقوق عمده مان ضایع خواهد گردید

وزیر مختار ایران در لندن

جناب آقا میرزا مهدی خان مشیر الملک ~~که~~ از تربیت شده‌گان و خدمت گذاران عمده دولت اند بوزیر مختاری انگلستان از جانب دولت علیه ایران نائل آمدند، جناب مشیر الملک دوره تعلیمات خود را در انگلستان طی و از عنفوان شباب در دائره سیاست قدم زده و در دامان تربیت والد ماجد خود شان آقای علاء السلطنه پرورش یافته اند، در ایام وزیر مختاری علاء السلطنه بسمت معاونی ممتاز و درغیبت چندساله ایشان بزاز دفری و وزیر مقیمی بهامی و آکتون بوزیر مختاری دولت علیه ایران نائل آمدند.

مشیر الملک از مامورین وطن خواه و دیپلمات باحسن و حرارت و در دوره مشروطیت خدمات مایان بدولت جدید نموده، چون زمانی دراز در تعلیم و خدمات دولتی در لندن گذرانیده، بارجال انگلستان و دیپلمات های دول و مسلمانان آت سامان روابط حسنه پیدا کرده از این رو موفق و قادر بمخدمات عمده ماوان گردیده اند و فعلاً

خدمت و ماموریت ما مشیر الملک را میدانیم، و این حسن انتخاب را هم از شخص شخص و الاحضرت ناصر الملک و اطلاعات صحیحه محتشم السلطنه می‌بنداریم لذا پس از تبریک بایشان امیدوار و چشم برآه خدمات ذقیقت پیش از پیش میباشیم.

مستشاران امریکائی و مالیه ایران

بر حسب تلگراف وارده این اسبوع مجلس شورای ملی ایران مستر شوستر رئیس مستشاران امریکائی را بنگرانی کامله مالیه اختیارات تامه بخشود و چون وجه استقراض جدید هم شامل دنگرانی مالیه مشارالیه هست شك نیست نگرانی مستر شوستر و وجوه استقراضی جالب يك گونه اعتماد ملت برکابینه جدید است، چه برخی تصورات واحیه که بعضی بد بینان من باب صرف این وجوه استقراضی که در حق کابینه نموده بودند باطل گردید، و حسن نیت کابینه را پیش از پیش ظاهر ساخت، شك نیست که خدمات سابقه مستر شوستر در ماموریت قابل اعتماد بود ولی این اعتمادیکه مجلس شورای ملی ایران به ایشان نموده خیل ذقیقت و مایه افتخار و دلگرمی ایشان بوظائف خویش تواند گردید، امید داریم که مستر شوستر در انوقع مجدد ایران کسب شرف تاریخی را برای خود بنماید و از نفرین که ایرانیان بواسطه مامورین بلژیکی ازطامه بلژیکیان حاصل نموده به برهیزد، مسلم است اگر مستشاران امریکائی خدمات صادقانه نمایند برای همیشه ملت خودشان یعنی امریکائیان را محبوب ایرانیان توانند ساخت، و از اینراه منافع عمده بدولت و ملت خود خواهند رسانید و ضد این عکس آنست.

با این همه ما وکلای ملت و وزرای دولت را از ابتدای امر متوجه ساخته باواز بلند میگوئیم اعتماد در شرع سیاست غلط محض است باید اصولی را در کارها اختیار نمود ~~که~~ بر فرض هم اگر مامورین خارجه و داخله نخواهند پیرامون خیانتی گردند نتوانند، یعنی در همان اول قدم جلو آنها را بسته مانع گردند، هرگاه دولت و ملت ایران اتخاذ چنین اصولی نموده مانند ژاپون می‌توانند از مستشارهای خارجی فایده برگیرند، ورنه بجای نفع نقصان خواهند برد، چنانچه از بلژیکیان برده و می‌بریم، همین است معنی اعتماد



▶ طالب العلم فريضة على كل مسلم ومسلمه ◀
 از جمله مطالبیک يك اندازه در نوبه اغفال مانده و تا بحال از روی نظر دقت ملاحظه نشده مسئله مصاشرت و مؤانست بی نوع بشر است که این مسئله بقدری اهمیت دارد و کمال همتشین مؤثر است که هیچ معلم طهری نمیتواند بقدر همتشین نفوذ در وجود انسان پیدا نماید بخصوص مونس شب و روز خاصه مونس که از طفولیت تا او محشور باشد بجاورت و مؤانست با مادر باقی درجه در وجود اولاد مؤثر است اگر مادر طاله و صالحه باشد اولاد هم بهائت روش منشی خواهد نمود، و اگر صاحب اخلاق صیبه و عادات قبیحه باشد اولاد او هم بهائت مسلک باقی و برقرار خواهد شد و اخلاق و عادات مادر نسبت با اولاد اثر کلی دارد، ولی اخلاق پدر در وجود اولاد بقدر مادر مؤثر است. آنچه بحسب تجربه در مدت عمر خود دیده ام کمتر دیده شده است فرزندی که مادرش طاله باشد بسوء اخلاق معتاد شود، ولی مسکرو دیده شده است که شخص عالم و متقی اولادش بالعکس واقع شده است، پس چیزیکه شایان دقت و اهمیت است طاله کردن مخدرات ایرانی است که اولاد آنها که در دوره بعد وجود می آیند تمام اخلاق حسنه و عادات مدوحه مادر را کسب خواهند کرد، زیرا اینکه از اولانقاد لطفه و علقه مضغه شدن و افاضه جسم و روح نمودن و بهایم وجود آمدن تا بهمد بلوغ و رشد رسیدن حشر اولاد با مادر است، و تمام خلق و خوی مادر سیره و سببیه اولاد خواهد شد، و از اینجا میتوان دانست که سوء اخلاق عوام بواسطه بی علمی مادر آنها و خلوص آنها بوده است و در صورتی که مخدرات مثل حیوان سخن گو بیعلم بگذارند و نور دنیای آنها را بخدمتگذاری خانه خانه مند، همانا ظلمی فاحش است که بآن بیچارگان المومه و باولاد های آنها نموده، و از شرافت حقوق بشری آنها را منع کرده اند.

هموم مخدرات ایرانی بدانند که پیشتر اکرم الله علیه و آله وسلم زنانرا هم امر بطلب علم رده و باید کوش بخرافات و مهملات سابق

ندهند که آنها که میگویند « زنان را علم و فضل لازم نیست » قصد شان این است که آن بیچارگان را حیوانات بارکش خود قرار بدهند، اگر زن طاله باشد زیر بار مظالم غیر مشروع نمیرود، از این جهت می گفتند علم نداشته باشند بهتر است و حال آنکه زنهای طاله فاضله همیشه همتزه و دارایی مقامات عالیه بوده اند.

حضرت سکینه خواتون که افسح فصحا و امام شعرای عصر خود بود بسیار طاله و فاضله و از حضور مبارک او استفاده ادب حاصل می نمودند، سه جلد کتاب مسی بخرات حسان تمام از آثار زنهای طاله و محل تمجید عقلای عالم است.

ای خانهای همتزه، وای دوشیزگان بورس ایرانی؟ همه بداید و آگاه باشید شما هم در حقوق بشری با مرد ها شراکت دارید، در ممالک متدعه زنها میگویند ما هم باید مساوی با مردان در علم باشیم، بیچکس نمیتواند شما را از تحصیل علم باز دارد، نوباوگان وطن که مکتب میروند و عالم میشوند بعد از تحصیل دختران بیعلم را بزوجهیت قبول نخواهند کرد، زیرا میدانند زنیکه علم نداشته باشد فقط لذت جسمانی دارد، و زن طاله ادبیه هم لذت جسمانی و هم تمتع روحانی از او استناده میشود، بمصدق فرمان واجب الاطمان می ای ناه و رجلا باید در تحصیل علم ساعی و جامد باشند.

چندی است در اسلامبول بهمت وطنخواهان حقیقی انجمنی بجهت تشکیل مکتب دوشیزگان ایرانی منعقد نموده و فعلاً مشغول پروگرام و ترتیبات او هستیم، امید است که انشاالله بزودی موفق و نایل و این خدمت را باهمام برسانیم، از سائر ایرانیان داخله و خارجه مستعدی و متنی میباشیم که این امر مشروع را تعقیب نموده و در هر ولایتی مکتب اتانیه که از اهم فرایض ضروریه است دایر و برقرار نموده مخدرات ایرانی را دعوت فرمایند.

چند روز است جراید ترکیه اسلامبول هم يك اندازه تغییر مسلک داده بعضی مقالاتیکه مشتمل بر ترقی ایران است درج میکنند ولی با ما خیلی بدستونک کرده و میکنند، فرشهای زیر پا و اسباب حجرات ملوا در کمال فضاحت جمع کرده هوش حال گذاشته بردند و نصفه قید

تمتع گذاشتند در صورتیکه رعایای مبدع دولت وطنی
 متقبل و ذمه دار نشده از ما بیچارگان باین خفت و
 خواری گرفتند مصلحت گذار ما نمیتواند ارهده اینطور
 کارهای بزرگ و آید یکمال متجاوز است اورا بجای
 سارت کبری نشاید بول ملت بدبخت را باسم
 موجب بدهد و سد دیار کارخانه نشد است. چند
 روز است ما مورین عثمان درخان والده که سابق
 قدرت نگاه کردن داشتند در کمال جسارت با اسلحه
 وارد شده مجدداً اسامی صاحبان حجرات و میرزا
 و نوکر و غیره را مینویسند، بقبیده بنده این
 برادران هم مذهب مهران ما اگر قدرت داشته
 باشد اریگانان با خوشتر سلوک نمیکند. این اسم
 اتحاد هم که در میان اداخته بودید عرض اصلی این بود
 که چون ما را از دست رفتن و مضمحل شده میداستند
 قدمشان این که ملتجوی با ما بشویم و سلطنت
 اسلامی را عنصر واحد کنیم و اسم دارالخلافه را
 از روی طهران بر داریم یعنی اقرار کنیم که خلیفه
 مسلمین پادشاه عثمانی است و این قافل از اینکه
 نگارنده که بست ترین و صعب ترین ملت ایران است
 این مسئله را قبول تواند نمود. مقدمه این است
 که اگر عثمانیان میخواهند از دست اروپائیان جان
 در ببرد باید زیر بیرق اتحاد ما بایند. عرض این
 است که این اسم اتحاد حوزی میفر بود و ابداً گول
 این حرفها را نباید خورد و مرعوب کسی نشد ما
 طالب معنی اتحادیم نه فطلی آن. مسئله بیقوت امت
 روسیه را باید تعقیب کرد تا بقیه سادات بروید *

بیان حقیقت

چند روز پیش وزیر خارجه دولت عثمانی در
 مجلس مبعوثان برای اختلاف حدود بین ایران و
 عثمانی در ضمن ابضاحات خود بیان نمودند که
 (بعضی مواضع در آسیر زمین هست که ایرانیان
 تجاوز کرده. و باره نقالی هست که ما نداشته ایم)
 شده از این بیانات حضرت وزیر در شکفت مانده
 و خود بخود قانع شدم. بر اینکه یا بنده بکلی از بولتیک
 کتونی خودمان با دولت عثمانی املاع ندارم با اینکه
 ابداً معنای تجاوز و نخلی را میدادم *

ایرانیها که ازین غیر از چند قطعه قراه ساحل
 دریاچه و خود شهر ارومی جانی را دران حدود

و تجاوز کرده اند؛ یا اینکه در شهر ارومی نشستن
 ابرایهرا تجاوز مینمایند! * * *

بنده با آن سابقه و لاحقه املاعی که از آن سرحد
 دارم میخواهم که برای توضیح مطالب اندکی امکار
 هموطنان خود و برادران عثمانی و همکیشانمانرا که
 شب و روز دم از یکاکی و حریت جامعیت و اخوت
 زده و می تمارفات بجا میکنند مشغول دارم

اینکه چهار سال است ما مورین سرحدش عثمانی
 از انقلاب داخلی ایران فرصت را غنیمت شمرده
 اگراد شمرده و عشایر عاصی را ترغیباً و تهدیداً در
 زیر خود آورده و در اجرای نخلی و تجاوزات
 خود شان را نخلو اداخته و از قتل و غارت و تعدی
 با مالی دهات و اضراف ارومی ذره فرو گذاری
 نکرده. عقیده عموم که از سیاست خارجه ایران
 و عثمانی مطلع بودند این بود که بعد از تشکیل و
 اجتماع کیسیون، ایران و عثمانی تجاوز میکنند و نه
 ازاد و عشایر متمرده بیشتر از این جسارت و
 هرزی مینمایند. بدخترانه بعد از ورود کیسیون
 طرفین که در ارومیه جمع شده و شروع بمذاکره
 سرحدی نمودند قضیه برعکس آمده و سرحد کین حرا
 فزود ا عوض اینکه از اراضی متنازع فیه و نقاط
 متجاوزه محاربه و مذاکره شود عساکر متجاوزه و
 به عقب بشد. مدتی در خصوص جلو گیری اگراد
 و نخلی و هرزه عساکر عثمانی گفتگو و کاتبه رسمی
 بعمل آمده نمری هم به محسبده. *

ماهر پاشا رئیس کیسیون عثمانی که فرستاده
 خاقان مخوم عبدالحمید خان و کابینه فرید پاشا صدر
 سابق بود که رأساً با (بلدی) مخبرات و رمزی و
 که با واسطه نازید پاشا و وزارت خارجه مکاتبه
 داشته و از این منابع دستورالعملهای مختلف اخذ
 و تلقی مینمود. هر روز بیک جلوه خود نمایی
 و ازاد را بقتل و غارت دهات ارومی تهریک
 و تشویق نمود. و باب عالی را با تخریرات خویش
 باشیبه اداخته هیئت مجتمعه طرفین را ماندازه
 گرفتار و مشغول نمود که رشته گفتگوی سرحدی
 مد ز دست رفته شکایات گوناگون طرف
 کیسیون ایران و اظهار تجاوز و بی املاهی از هیئت
 تحقیق عثمانی عمل آمده و هرچه داد و فریاد شئون
 حقه و اصولی بشهادت ابداً بخوبیش نرسد *

منزه در اینجا است: هر وقتیکه عشایر واکراد هجوم آوردند و چند قریه ابراه را باعمال و قتل و غارت و ستمهای کوناگون میکردند و کیسیوت در اینباب سؤال و جواب میدنمود طاهر پاشا قطعاً انکار کرده میگفت: «ما که باره نقاط ابراه عسکری آوریم به رای استیلا و تصرف املاک است بلکه بعض مجرمه اعاده آسایش و انضباط است» اگر حکومت محلی میخواست چند نفر سرباز بجائی فرستاده و از اشترار جلوگیری نماید اوقت فریاد طاهر پاشا باعمالی را منزلت میساخت که مجسما میخواستند اهل سنت و جماعت را بکشند و خیال قتل عام دارند.

§ خلاصه اگر از این قبیل مطالب عرض شود رشته سخن از دست میرود. قونسول ژنرال انگلیس مسیو (رانسلو) و مدیر قونسولگری روس مسیو (بیلر) نیز حرکات کیسیون طرفین و حادثات واقعه را ملاحظه کرده و همه چیز را راجع العین مشاهده میکردند. از سکه آنها نیز از حرکات تجاوز کارانه عساکر عثمان و تخریبات اکراد مستحضر و از تهاول طاهر پاشا بستوه آمدند بکشب که اکراد و بخته و دوسه قریه مسیح نشین را با حالت خیل و جمع قتل و غارت کرده بودند و طاهر پاشا میگفت که این خارتنگران نه از اکرادی است که در نعت خود ما هستند بلکه آنها از ابرایانست. لذا فردای آن شب قونسولها هر دو سوار شده و طاهر پاشا را هم همراه برداشته از ارومی به قراء (بابارود) و (سردرود) که قتل و غارت شده بودند بردند و چند جنازه کرد که در آنهاها از طرف دهاتیان غارت شده کشته و افتاده بودند به طاهر پاشا نشان داده و از وضع و قیافت آنها معلوم شد که از همان اکرادی است که آت خیال مأمورین سرحد نشین عثمانی بوده اند. عکس آنها را نیز برداشته و برگشتند

رفته رفته کار بجائی رسید و بی اعتدالی باندازه بالا گرفت که در حضور مردم کیسیوت تا دم دروازه شهر و اطراف دهات و بالخاصه محال (دول) و (باراندوز) و راه سلاس را بکلی عساکر عثمانی گرفته و به تصرف خود در آورده و حاصل محصول و مالیات دیوانی و حقوق اویان را بالتمام

برده و تا حال هم نمیرند
ملاکین بیچاره هر فریاد میکنند که اگر اختلاف حدود در بین دولتین واقع شده لا محاله رسوم دولتی و اعشار محصولات را بحال از ما بگیرد و نفقه اهل و عیال ما را نبرد. مأمورین عثمانی ابدأ به تظلمات آنها گوش داده و هر يك از اشترار اکراد متهمه را سر برست و مدیران املاک کرده و مال مردم را برد. و میبرند. اکنون در اکثر دهات اطراف ارومی و محال بار اندوز و انزل و قسمتی از دول که خود عثمانیها معتزند بر اینکه آنها خلك ابراه است. یا عسکر گذارده و یا به تحریک عشایری در اجرای خیالات نخطی خودشان هستند. چنانچه وزیر خارجه و سابقاً صدر اعظم عثمانی اظهار نمودند و ناهمه عثمانیها در حکم امروز ادعای اتحاد و برادری در حق ما دارند. اگر راست میگویند و مدل دوره سابق کیف ما پشا حرکات نمیکند ادعا و قول خودشان را فعلاً اثبات نمایند نه با سخنان خشک.

ایک بهار رسید باز اکراد سرحد مانند حشرات الارض در آن سر زمین ظهور خواهند کرد یا به شرارت آنها مانع شود یا بگذارد ما خود مان رفیع شر آنان را بکنیم

در این سه چهار سال بالخاصه زمان اخیر موجب عمده خرابی حدود از تخریبات طاهر پاشای بادگار دور استبداد و یاور پاشا کوماندان فرقه نظامی و محمد فاضل پاشا فریق اردوی ششم عثمانی بوده تا بجائیکه قراء و محلات قناعت نکرده بشهر ساروجبلایع هم تجاوز کرده و بعد از مدتی اقامت خارج شدند.

طاهر پاشا رئیس کیسیوت عثمانی وقتیکه در مذاکرات و مخابرات رسمی مانی در میان میدید خود را مأمور امورات نظامی و ملکی و همه چیز میبایند اما زمانیکه به قلعه جهریق و قولنجی و هوشچی و انزل و روضه جایی و بار اندوز و محال دول که بکلی خارج از منطقه متنازع فیه است سوق عسکر می نمود و در وقت برسیدن علت و سبب گاه میگفت که من انانی نیستم مرجع عساکر دیگر و مرجع من دیگرست گاه بیان می نمود که بخلان محل عساکر ما سهواً آمده و خواهند برگشت (در همه



◀ نقل از روزنامه شریفة شفق ▶

در این اواخر بواسطه نجرانی که ملت ایران در مدت چهار سال اخیر حاصل کرده اند گویا تا یکدرجه بی برده اند باینکه سعادت دائمی و بقای منویبت ما بسته به شایسته کی وکلای دارالشورا میباشد و این مقصود نیز حاصل نمیشود مگر اینکه افراد ملت ما از بزرگ و کوچک احتیاجات انتخاب خود را برای العین دیده و با یک حرارت تمامه در تعیین اشخاص کاری و دانا جهد نموده بی فرض و فداکارانه کوشیده و در انتخاب ایشان رأی های خود را بدهند .

ولی در این موقع که افراد اهالی قصبات نیز بتدریج میخواهند بمقوق مقدر خود نایل آمده و دست بورقه انتخاب برده و کسی را که با فکر خود شان لایق این مقام عالی میدانند بنویسند ، بدبختانه عوض اینکه از طرف علماء و فضلاء قوم تحریک و تحریر بسوی همان مقصد عالی بمحصول پیوند ، تلکرافات اخیرة مندرجه در (تهریز) زبان آمال همان انتظار داران بخت و کشته را بیک طعنه و سدمه زده و امیدواری های طامه بیاس و درد مبدل گردید . اهالی دهات و قصبات و سایر قشرای شهری که قسمت اعظم ساکنین مملکت ما را تشکیل میدهند ، در عرض دوره منحوسه استبداد در سایه تجاوزات و تعدیات و خود پرستی و کوچک شهریاری صاحبان املاک و ارکان دواق دو چار انواع عقبست بودند بول میدادند کندی میدادند و سایر خدمات لازمه را که تهیه آنها های شبانه روزی آن بی جازه کان را بغیر از وقت خواب مشغول ساخته بود بجا میاورید و آقایان را از تمامی احتیاجات مستغنی نموده و اسباب وسعت معیشت آن ها را ا جان و دل فراهم مینمودند ، در مقابل این خدمت مکافاتی که بیکرقتند و جزائی که به اعمال خویش می دیدند همانا عبارت بود از زجر و منع و نفی و تبعید و غیره و چون در مقابل این اقدامات ملجائی بغیر از خود ظالم نداشتند تا چار یا از دست خود او بخودش بمانند می شدند و یا فریاد به دربار حضرت خداوندی برده و می عاجزانه می نالیدند .

این تجاوزات عسکریه قطب سوق عسکر را به قلعه جهریق صراحتاً اظهار داشت که من خودم فرستاده ام (

در انشای این حادثات انقلاب ایران بالا گرفته نمایان هم میدان را که بکلی خالی دیدند با اخافه و تهدید اکراد ، اهالی دهات و اطراف ارومی و بلکه شهر را مجبور بالتعجا نموده دخالت نامه ها از آنان گرفته و رعایای ایران را جسور و متهور کرده و معیذا باز آن ملتجی ها را آنی راحت نگذاشته و محصولات و مواشی آنها را برده و با اظهار ادعای دوستی و همجواری و جامعیت اسلامیت آنچه توانسته اند در این حدود بعمل آورده اند و تا کثون قطعی که نصب نموده اند بقرار ذیل است

جهریق ، هدروخه ، قره ارغوی ، محال سومای ، برادوست ، ترکور ، دشت مرکور ، مقداری از محال انزل ، چند قره از محال نازی جای و روضه جای ، نصف بیشتر از دوز جای محال دشت پیل ، محال کلاس ، محال اشو ، در سلدوز هم مدتی است که عسکر دارند ، ودائماً مزاحم محال دول هم هستند ، سر دشت وبانه را هم غصب کرده اطراف ساوجبلاغ و ببلاده لاهیجان قدیم و جدید املین تکور و زه محال سقز را هم اداً راحت نمیگذارند و تمام این تجاوزات برخلاف عهدنامه ارضروم و رعایت استاتیکو و اغلب ناط هم بکلی خارج از منطقه ایست که دولتین انگلیس و روس در موقع تحقیق و گردش ، دول اربیه ترسیم کرده اند

با این حال نمیدانم ایرانیها بکدام موقع سرحد و بکدام منطقه معین تجاوز کرده اند ؟ چنانکه بنده نقاط منجاوزه را بیک اندازه شمردم ، اگر مأمورین عنای هم بخواهند که تخطی و تجاوز ما را بشمارند چه خواهند نوشت و کدام مواقع را نشان خواهند داد ؟ با همه این اوصاف نکرده و مراعات حقوق همجواری و جهت جامعیت را ننموده . مواقع مذکور را در صحایف مطبوعات (نواحی جدید !!) مینویسند . آیا اینست اخوت و اینست جامعیت اسلامی و همجواری ؟! یا من چیزی نمی فرهم و یا نمی توانم بفهمم (آصف)

نمی توانم بفهمم

این تعدیان که ما ذکر میکنیم اخصار دهاتیان و اهالی قصبات هم نداشت بلکه از سکنه بلاد نیز هر آنکس که از تجار و کسبه و اصناف و غیره طرف تعرض آن مالکین رقاب می شدند، موافق میلشان در حبس و شکنجه و قتل و غیره ایشان مضایقه انکرده و با هزاران مصائب و مصاعب انواع عقبات بر سر آن بخت بر کشته گان می آوردند و بسیاری دیگر در کایه نقاط مملکت که خاک اجدادی و مسکن ارنی و مشترک فیه عامه افراد ایرانی است، یک عده خیل کمی از اشخاص خود آوا و شکم پرست و خدا نشناس، از محکومین خون ضحفا کردن کلفت و بیکری برای خود تهیه نموده و عموم افراد ملت را در تحت مضایق خود کشیده و ملیونها نفوس را با یک اداره تنهای خود اسیر تعدیات انصاف شکن میساختند و بر خانه و حتی بدبختان سیه روزگار میساختند.

سبب این همه جولان و تعدی و محروک این همه فتنه ها و مسادهای اخلاقی همانا عبارت بود از اینکه مظلومین فلک زده و فلاکت گرفته داد گامی غیر از خود ظالم نداشته.

پیش که بر آورم ز دستت فریاد
هم پیش تو از دست تو میخواهم داد
دستگاه سلطنت کلیتاً چنانکه بر همه کس معلوم است طرفدار ملاکین و اصحاب نفوذ بودند.

هر کس که زر میداد زور میگرفت و بر سر بیچارگان میزد، ارکان دولتی و مباشرین امور مملکتی از حال و احوال زارعین بریشان، و سایر فقرا و ضعفا و اصناف و تجار و غیره ابداً یاد نمیگرفتند، و جلو گاه حکم رانی خود را به تهنات وقف میل و اراده کردن کلفتها ساخته و بولی گرفته و همان دم انصاف و عدالت و حتی خدای قاهر را از یاد برده و در راه هوا و هوس رشوه دهنده گوشیده، و بهر که از بیچاره گان قرعه قهر و غضب آن ظالم سنگ دل می افتاد جگرش را در میآوردند.

این بود که مردم را مجبور بدفع ظلم کرد و این بود که تمامی فقرا و افراد و دهاتیان و اهالی قصبات و غیره هم از کار و بار خویش دست کشیده و سه هزار نفس مقدس تنها از یک شهر تبریز

فدای آمال خود کردند، این فدائیان غیور همگی از صنف فقرا بودند و ابداً در میان این سه هزار فردی از ملاکین دیده نشدند. بلی این همه خوبیهای يك و تنهای آنهاست که هنوز مادران و خواهران از فراقش می تالند، برای همان مقصد مقدس فوق به مدر رفته و بجهت تحصیل همان سعادت ابدی نثار کردند، که بعد از این دولت دولت عمومی و حکومت حکومت مشروطه بشود بدین معنی که سلطنت مستبدانه مبدل به سلطنت ملیه گردد.

و هر يك از افراد اهالی از ضعیف و قوی حق تظلم و شرکت نفوذی در آن سلطنت داشته باشد.

علاجی که برای پیشرفت این مقصود مبارک اندیشیده اند عبارت از انتخاب بود، که افراد عامه اهالی از فقیر و غنی برای حفظ و حراست حقوق خود نمایندگان انتخاب کرده و بمصوت بدارالشورای که مجلس ملی اثنی عشری نامیم به نمایندند، و بدین واسطه نمایندگان هر طبقه در آرائیکه و آنچه بمحقوق عمومی است شرکت نمایند و آمال و آرزوهای موکلین و تظلم و شکایتهای آن بیچارگان را بمقام اظهار بر آورند، و ظلم را از پهنای وطن ما مرتفع سازند.

دیگر آرزوها در دل نمایند و ناله های ساکنین دهات و قصبات در سینه خاک لسیان مدفون نشود، و این جگر خراش متظلمین بیاد ظلم نرود، بلکه باکال جسارت و دایری اطمینان به وکلای خود نموده و از گفتن هیچ حرف حق خود داری نه نموده و هیچ درد را بی علاج نگذارند، اگر کسی بمقام انصاف آید با روشنی تمام خواهد دید که در واقع تمامی جنگ های خونین در سر همین مقصد عالی به عمل آمد.

و بادری می کند اینرا که اولین قدمی که ممکن است بسوی این منافع عمومی بر داشته شود همانا انتخاب است.

انتخاب مفتاح سعادت عموم است، انتخاب اسباب نیک بختی فقرا و قیمت خونهای ریخته و انتظار گاه مصالح مملکتی و بنامگاه اهالی دهات و قصبات و بلاد است، انتخاب حق است عمومی و شامل

حال هر يك از رعایا و بر ایا میشود ، تمامی افراد اهالی يك مملکت در انتخاب شرکت دارند زیرا انتخاب چیزی نیست که منحصر به عده مخصوصی گردد .

چه انصافی است که بواسطه يك قرار داد طائفه همی حقوق مشترك عامه بزوال آید ، نصیبات و دعای که از ده ملیان هشت ملیان نفوس ما را تشکیل میدهند از روی کدام انصاف و نحوایر کدامین حکم باید از حقایق حقوق خود محروم بشوند ، آیا مگر اهالی نصیبات ایرانی نیستند و یا از دایره دیانت اسلامی خارجند و یا در آب و خاک ما شریقی دارند .

و حال آنکه اصل ملت ایران عبارت از ایشانند . و در نص اقدس اسلام مامر (ما تری فی خلق الرحمن من تفاوت) ابدأ از حیث حقوق فرقی با اغنیاء نداشته و باید تا عند وان مبارك (القره فخری) کمال مباحات را در این دایره مقدسه دارند . و در آب و خاک شرکت بزرگ و قسمت اعظم مقسوم آهناست زیرا جهانکه زده از دست سکنه ما را تشکیل میکنند . هم چنین در امت حاکم زیاده بر نص ایران را نیز مالکند . در این صورت تا چه پایه مایه ملال و موجب پریشانی حال است که جذدی از موثقی عموم قلمی بر ضد منافع قرا برزند . و ملیانها مرد سرا بایک طعنه بی اصلاحی و بی وقوفی از حقوق خودشان محروم سازند .

در حالتیکه از ابتدای زمان ظلم و قتل و تجاوز گوناگون دائماً از طرف متمولین نسبت به ضغنا و قراء بکار رفته آیا حال صاف قرا هیچ میکوبند که باید از بلاد معتبره انتخاب بعمل بیاید ، صاحبان املاک باید بمسند وکالت نه نشینند ، البته نمیکوبند و نمیتوانند بگویند و نباید هم چنین بخی را اظهار دارند زیرا ملاکین نیز در این حقوق شریک میباشدند و از افراد ایرانیان محسوبند ، ولی عجب آن است که اشخاصیکه قوت قاب قرا و ملجاء ضغنا هستند ، بمقام سلب حقوق ایشان میانند و بواسطه يك صحنه فکری مقدرات مشروعه مظلومین را بجهت نسیان می اندازند .

عجیباً اگر ما ایرانیان میدانیم که حقوق انتخاب عمومی

است چگونه میتوانیم از شهر معتبری بیست و سی نفر مجزا شده و در تمامی ایران دو بیست و سیصد نفر تشکیل کرده ، و آنکه رو به بیست کرور مات ایران نموده و داد و نسیان که ای ایرانیان چون شما نادان مسکین و ساکنین نصیبات و دعای بی مایه ، و ما نیز معدن علم و کان نصیبت می باشیم لهذا ، ما سیصد نفر حقوقی را که همگی با ما بوده در آن شرکت داشتیم از تمامی شما هجده کرور سلب نموده و شما را در جای بی نام فرض کرده و از انتخاب وکیل و اشتراك فکری محروم ساختیم .

اگر اهالی نصیبات سواد و اطلاعات ندارند که علم سیاست و فن مملکت داری را دارا باشند اطلاق می توانند يك بیعوتی منتخب کنند که از مظالم سابقه ارباب املاک و از وضع مالیات گیری و رعیت کشی ، ملاکین اطلاعات کافی داشته ، در موقع لزوم عرض حاجت بمحور ادبانی ملت بنماید ، و آنکه اگر قتل انتخاب خصم و وجود اشخاص عالم را دوست میدارند دست سینه ایشان گذاشته نشده است و سدی در پیش انتخابات ایشان کشیده نشده است می تواند بدل کوشش نود و ششاد عالم و کار دان از مایه ساکنین روح افزای تبریز انتخاب نمایند ولی فقط با کوشش خودشان نه با سد انتخاب دیگر مکرر گفتیم و باز هم بتکرار می پردازیم که انتخاب حق است که در دولت مشروطه در مقابل خونهای ریخته به عموم افراد ملت مشترک داده شده است و این حقوق نیز با تاکیات قسمت قبلی از اهالی مملکت نمیتواند سلب بشود ، و در ختام عرایض خیر خواهمانه خود علاوه می نمایم که هرگاه دعای غارت شده و نصیبان ناراج گشته اطراف و پسران پدر مرده و برادران دل گسسته بلاد ، مقام انتقام حالانی که در موقع انقلاب از صاحبان املاک و ارکان دولتی دیدند آمده و اظهار درندگی شما معدود بزرگان و عقلا بجرم اینکه از قرنها باین طرف خون ما را خورده و روح آزادی ما را قتل داده اید ، حق شرکت در انتخابات ما ندارید و تعیین وکیل دل بخواه که در مجلس ملی در حفظ شیونات شما گریبان خود را پاره نماید اقدام نمیتوانید آن گاه آقایان نیز می توانند اهالی دعای

وقضیات و از حقوق مشروعه خود مسلوب فرمایند و الا ظلم و بی عدالتی را منتقم حقیقی بر نمیدارد و خدای ساکنین دعوات و قضیات روا نمیدارد .

قانون نامه تابعیت دولت علیه ایران « بند (۱) هر کس که در خاک دولت علیه ایران متولد شده باشد تبعه ایران محسوب میشود ، مگر اینکه معلوم شود که در عین ولادت والدین یا والد او تبعه خارجه است آتوقت مولود نیز اجنبی شمرده خواهد شد .

بند (۲) اولاً تبعه خارجه که در خاک ایران متولد شده باشد بعد از بلوغ بسن رشد حق تحصیل با تابعیت ایران را خواهند داشت ، و استعدای آنها قبول خواهد شد .

بند (۳) هر کس از تبعه خارجه بخواهد داخل به تبعیت دولت علیه ایران بشود اولاً باید بسن رشد رسیده باشد ، ثانیاً بحسب متوالیاً در يك نقطه از خاک ایران اقامت کرده باشد ثالثاً در تابعیت اصلیه خود بجنایت یا فراری از نظام نباشد ، در این صورت استعدای نامه بجای لازم تقدیم کرده تحصیل امتیاز تابعیت ایران را میتواند بکند .

بند (۴) از تبعه خارجه آنانکه شرط اقامت در خاک ایران را بطوریکه در ماده فوق درج است بعمل نیآورده استعدای تابعیت دولت علیه را بکنند ، در صورتیکه دولت علیه شایستگی آنان را ملاحظه نماید ، استثناءً تابعیت دولت علیه ایران قبول خواهد شد .

بند (۵) کسانیکه از تبعه ایران خواه خودشان خواه پدر ایشان تبدیل تابعیت کرده باشند بخواهند بتابعیت اصلیه خود رجوع نمایند بدون ایفای شروط مقرره بمجرد استعدای قبول خواهند شد .

بند (۶) از تبعه ایران آنانکه با زنان خارجه ازدواج کرده باشند زنهای آنها نیز طبعاً بتابعیت ایرانیه شوهر تابع خواهند بود و بعد از تطبیق یا فوت شوهر اگر زنهای بخواهند بتابعیت اصلیه رجوع نمایند مجاز خواهند بود .

بند (۷) زمانیکه در تابعیت خارجه و در فید زوجیت تبعه دول خارجه هستند دخالت آنها

بتابعیت ایران قبول نمیشود ، مگر آنکه باتفاق شوهر خود شان با شرایط مقرره بتابعیت دولت علیه ایران داخل شوند .

بند (۸) از تبعه ایران کسیکه در ممالک خارجه مایل بتابعیت یکدولتی باشد اولاً باید در محاکم دولت علیه متهم بجنایت نباشد ، ثانیاً در محاکمه نبوده و از محاکمه فرار نکرده باشد ، ثالثاً از خدمت نظامی فرار نکرده باشد ، رابعاً مقروض و مقصودش استخلاص از دین نباشد ، و الا تبدیل تابعیت او کان لم یکن خواهد بود ، و اگر محاکم ایران مراجعت نماید معامله تبعیت ایرانیه در حق او بعمل خواهد آمد .

بند (۹) تبدیل تابعیت ایرانیه با وجود ایفای شرایط مقرره بازمروط اجازه و اراده ذات مقدس پادشاه است و اگر کسی از تبعه ایران بدون استحصال این اجازه در ممالک خارجه داخل بتابعیت خارجه شده باشد از دخول محاکم ایران ممنوع و اگر در ایران علاقه از ملک و غیره داشته باشد بقطع علاقه مجبور است .

بند (۱۰) تبدیل تابعیت پدر موجب تبدیل تابعیت اولاد او نمیشود ، خواه اولاد او صغیر باشد خواه کبیر ، مگر اینکه اولاد کبار و یا اولاد صغارش بعد از بلوغ بسن رشد رأساً با مراعات شرایط مزبوره بمقام تبدیل تابعیت بر آیند ، و لیکن طفل که بعد از تبدیل تابعیت پدر متولد می شود بالطبع در تابعیت جدید پدر خواهند بود ، بند (۱۱) زنهای ایرانی که در زوجیت

اتباع دول خارجه هستند از تبعیت ایرانیه خارج میشوند ، ولی بعد از تطبیق یا فوت شوهر فقط باستدای و تقدیم عرضحال بدولت علیه بتابعیت اولیه خود رجوع و مساومت مینمایند ، و اگر در تانی بترك تابعیت ایرانیه مصمم شوند از ایفا و شرایط سابقه باچار خواهند بود .

بند (۱۲) نسوان ایرانی نسبت ازدواج با تبعه خارجه از تابعیت ایرانیه خارج میشوند مثل سایر اتباع خارجه از استملاك دهکت و قراء و مستقلات در ایران و امتیازات تبعیت داخله محروم و بی نصیب خواهند بود ، مگر آنچه را که عهد تا مجاز اجازه داده است .

بند (۱۳) کسایک پاره اسباب بصفت
 تبیت ایران شناخته شده و در ادعای تبیت
 خارجه مستند . تبیت مدعا بها خواه اصلیه باشد
 خواه مکتسبه . اثبات آن ادما بر عهده خود آن
 اشخاص است و مادامیکه ادعای خود را موافق
 همین قانون ثابت نکرده از جمله تبعه ایران محسوب
 میشوند .

بند (۱۴) کسایک از ممالک خارجه بمملکت
 ایران آمدند و در مدت اقامت ایران کم تبیت
 نموده و تمام امور آنها مثل تبعه ایران رسیدگی
 شده باشد و یا در خاک ایران ملک خریده باشند
 که این امتیاز مخصوص تبعه داخله است در این
 صورت از تبعه دولت علیه ایران محسوب خواهند
 شد . و ادعای تبیت خارجه در حق آنها قبول
 نخواهد گردید .

بند (۱۵) بامر دولت مقابله نامه مخصوص
 در باب مهاجرت رعیت مبادله شده باشد معلوم
 است اجرای مدلول آن کاملاً رعایت خواهد شد .

خراسان

محمدالله صنجات خراسان نازکی از هجوم
 اشراغی و امن گردیده . جنیدی قیل رئیس
 قشون خراسان برای سرکوبی اشراغ درجز و
 خوابانیدن فتنه حرکت نموده . با یک اردویی
 کوچکی بطرف درجز راهسپار گردیدند . بعد از
 زحمات و لظمت زیاد از زیادی برف و سرما و
 نبودن استمداد با هزاران خون دل درجز فتح و
 بعضی ها دستگیر شدند . (حجو) نام که سردسته
 اشراغ و ماشاره روس برستان بی نام و تنگ این
 همه خونخواری نمود فرار به عشق آباد نمود .
 اولیای دولت ایران از دولت روس (حجو) نام را
 خواستند . آنها نیز قبول نمودند و در جواب گفتند
 در کدام محل و به که تحویل بدهیم ؟ گفته شد
 در سرحد ایران به تحویل رئیس قشون خراسان
 بدهید . بچاره رئیس قشون بامر ایالت خراسان
 از حدود درجز حرکت نموده و برای تحویل
 گرفتن حجو به سرحد ایران رفت . بعدام باز
 روسها چه بیاد شان آمد یا چه نطه بقل شان
 رسید ازدادن (حجو) امتناع نمودند . الحاصل ۱۰
 روز است که رئیس قشون در سرحد بایستد اینک

امروز با فردا حجو را تحویل بدهند مطلق مانده
 و اولیای دولت روس نیز جواب مساعد بدهند .
 که آیا تسلیم خواهیم نمود یا خیر ؟ . بی اقتضای
 بلتیک دولت تمدن روس با این امروزه بدینگونه
 است !!!

جنیدی قبل چند نفر از افغانیها که بمنزل
 مشهدی عسکر تبعه روس شباهه رفته و تمام اهل
 آنخانه را که عبارت از هشت نفر بوده سر بریده
 بودند و بعضی را زخم دشنه . همه دستگیر شدند
 بعد از استتطاق سه نفر از آنها را در ارک دولت
 در سه روز متوالی بدار آویختند . و باقی را که
 در نظامر مقصر نبودند از قونسول خانه انگلیس
 التزام گرفته و رها نمودند . بکورقه مفصل که
 عبارت از تشکر نامه در باب مجازات سه نفر قاتل
 خانواده مشهدی عسکر بود از قونسول خانه روس
 باداره نظمیة خراسان فرستاده بودند .

اداره نظمیة خراسان فعلاً در تحت ریاست
 آقای صدیق الحرم است و معزی الیه شخص امین
 و کاردان و وطن پرست و کار آزموده است . و
 بدون ملاحظه کار میکنند . بتازکی صد نفر از
 جوانهای رشید خراسان برای (ژاندامری) تعیین
 با چها رصد فریلین که همه شان نو با یک فرم
 جدید دارند هر روزه طرف عصر در ارک مشق
 ودفینه میکنند . از خداوند متعال توفیق خدمت
 عموم نظمیة های ایران را خواستاریم .

اداره کار گذاری ریاست نبیل الملك رئیس
 سابق کار گذاری است که اگر بخواهم شرح
 احوال و اطوار زندگی مشار الیه را شرح دهم
 قلم یارای آرا نخواهد داشت . کان نمیکم در تمام
 ایران کسی در عقیده روس برستی باندازه مشارالیه
 راسخ باشد ! شرح حال این شخص در نمرات
 سابق نامه مقدسه درج است زیاده بر آن نوشتن
 اتلاف وقت نمودن است .

اداره پست خانه ریاست مبصرالملك و اداره
 كرك ریاست (للو) که با یک سلك قدیمی اداره
 خود کار می کنند . مطلب تازه که قابل نوشتن باشد
 ندارد .

ایالت خراسان با صاحب اشتهار که یکی از دست
 پرورده های ناصرالدین شاه است میباشد . ایشان

هم جز هر روز به تلگراف خانه دفن و استعمای
تسلی نمودن تا حال کاری را انجام نداده که قابل
تعمیر و لیاقت تهر بر داشته باشد. و کارهایی
مضر دولت و ملت نیز نموده.

اداره قشونی خراسان بهمان ترتیبی است که
سابقاً بوده. و مکرر نواقص آن را عرض کرده‌ام
و در نامه مقدمه درج است.

اداره مالیه خراسان در تحت ریاست
بنای سلطه است. چندی قبل شخص موسوم
بمیرزا حبیب الله خان از طرف وزارت مالیه برای
فتیش این اداره به خراسان آمد. و استعایه
دو نفر را که بداره مالیه مضر بودند تجویز نموده

و تلگرافی هم از وزارت مالیه در تأیید این قول
صادر نمود. چون بنان السلطه با این دو نفر
که هاشم خان و میرزا محمد خاں هستند شریک
اعمال بود علناً حمایت نموده. و آنها را خارج
نمود. و تا این دو نفر هم از این اداره خارج
نشوند این اداره خراب تر از سابق خواهد شد.

فلاً مفتش مالیه قدری غرق حسابهای ظلمان
و جم اندر خم اداره مالیه است که اگر هر کس غیر
از این شخص بود در عین محاسبه سخته میکرد.
اداره امنیه خراسان در تحت ریاست آقای پاشاخان
است. و الحقیق منظم ترین و بی خیانت ترین
ادارات خراسان حالیه همان اداره امنیه است. ولی

عوض اینکه اولیای امور در طهران این قبیل
رؤساء را تشویق نمایند. شنیده شده که پاشا خان
را معزول و بجای وی یک نفر دیگر را که شخصیت او
ابداً مناسبی با اداره امنیه ندارد ریاست امنیه
خراسان تعیین نموده اند. و نیز شنیده شده که

یک نفر سرحد داو برای سیستان معین شده. جای
شکر است که اولیای امور بعد از مدت مدید به
خیال سیستان که مبالغی از نقطه نظر آنان دور
است افتاده اند. انشاء الله در آیه نظریات خودم
را درباره امور سرحدی سیستان عرض خواهم
کرد. تا قارئین ملتفت باشند که امور سرحدی و
قشونی ایران بجه انداز بی ترتیب و شرب الیهود
است.

اداره بلدی چندی قبل که ظهیر السلطان مدیر
ایالت سابق خراسان وکلای بلدی را معزول نمود.

اداره بلدی تحت الشمام واقع شده بود تا چند روز
قبل اعلی مشهد وکلای جدید برای اداره بلدی
تعیین نمودند. و مشاوران وزارت را که یکی از
مستخدمین اداره کرب است ریاست انجمن انتخاب
نمودند. و الحال بین شجاع الایاله رئیس سابق
بلدی با مشاوران وزارت رئیس جدید برایش ریاست
مرافعه است. و بکثرت این مرافعه جرائع
کوچه و بازار را که مقرر است از طرف بلدی
باید شها به سوزد نمی سوزانند. و هر شب در
عبور و مرور مردم افلا ده نفر را سر و دست
میشکند. خداوند اشاء الله بزودی مرافعه این
ریاست را اصلاح فرماید.

اداره دواتر ثلاثه خراسان در تحت ریاست
شاهزاده محمد علی میرزاست. اعضاء و احزاء آن
به جهت هر چه تمامتر با یک حرارت وطن پرستی
مشغول خدمت همواره می باشند. ده روز قبل
مقدار شش خروار سوخته تریاک که از یزد حمل
به خراسان شده بود. در ترشیز اداره ثلاثه به

عنوان قاچاق گرفت و نجار جمع شدند. باب
رشوت را باز کرده باین خانه و آن خانه میروند
و تا حال نصف زیاد این سوخته را باسم تبعه
خارجی معروف داشته اند. و باین کلاه بازی ها
خسارت دوات خود را فراهم میآورند. اداره
ثلاثه با ایالت قرار گذاشته که بعد از واود شدن
سوخته بکثرت از طرف تجار و بکثرت از طرف

دواتر ثلاثه و بکثرت از طرف ایالت با انجمن ایالتی
رفته و قطع گنتگو و منازعه بنمایند. محالاً حق
بطرف دواتر ثلاثه است زیرا که موافق نظام نامه
نجدید تریاک حمل و نقل و فروش سوخته
مخصوص دولت است و احدی حق ندارد خرید
و فروش نماید.

بکفقره از عایدات دواتر ثلاثه باندول کردن
مسکرات که تا حال بواسطه عدم موافقت اولیای
دولت روس این عایدی زمین خورده و پیشرفت
نکرده. و چون اغلب مشروب فروشها در تمام
ایران خارج اند و از قونسل خانه سپرده اند
که بول باندول ندهند. لهذا تا حال بتعویق افتاده
و حال آنکه خود دوات روس در هر سال مبالغی
از مشروبات در روسیه مایلات می گیرد. ولی در

ایران مانع از اخذ این مالیت است .

قارئین محترم ملاحظه فرمایند اگر یکدکتر از ایرانیان بروسیه مسافرت نماید و همراه خود نه صد تومان ببرد هشت قسمت این پول در روسیه به جیب دولت متوجه میشود و یک قسمت آن باید سایر اصناف روسیه ولی یکی از روسیه بایران مسافرت نماید و ده سال در ایران بماند یک پول آن به کبیته دولت ایران نخواهد رفت . باین حال دولت ایران اگر بخواهد یک مانی که واجب تابع خودش است بگیرد دولت روس مانع خواهد شد .

آستانه مقدسه توبیت آن با صدور ایتالک است ولی از قرار مسموع معتمد الوزاره تنولیت آستانه تعیین خواهد شد .

بلوچستان

از جاشک می نویسند ظامراً همسایه جنوبی جاشک را مرکز شکاری خود جبهه بلوچستان قرار داد و اتصالاً لشکر و سامان و توپ و ساجه و قاطر زیاده میباید . و در صدد بهاء میباشند که اگر بیخبر وطن حواء باشد منهم ساخته منقسم قرار دهند . چنانچه امیر اسلام حال که یک از امراء وطن حواء مقیم (بنت) میباشد . در قبل که اموالاً آمدن افغان را تابع نمودند مامورین انگلیسی خواهش جلوگیری از منزوی الیه نمودند جواب داد اسلحه ندارم ! اجازه وارد نمودن ۱۰۰ قبضه تنگ از مسقط دادند آدم روانه نمودند او را منهم ساختند که میخواهند تنگ بافغان بدهند آدم او را از مسقط مراجعت داده و قصد گرفتاری وی نمودند . این بود که عده لشکر زیادی از طرف جامهسار براسمه گرفتاری امیر اسلام خان در (بنت) با توپ و سامان حرکت کردند و لشکر قوی نیز از جاشک با توپ و اسباب جبهه گرفتاری امیر برکت خان در بشاکرد حرکت نمود ، اما طولی نکشید که لشکریکه برای بشاکرد حرکت کرده بود مراجعت و میگویند قشونیکه جبهه گرفتاری امیر اسلام خان حرکت نموده بود هم مراجعت نموده ، افصواست که حضرت والا جلال الدوله اطلاع داده که خود جبهه نظم بلوچستان مصمم ام (اینهم

از اقدامات کابینه وزارت صفا بطور پنهان اطلاع دادم) بحسب خبری که رسیده گویا امیر برکت خان بعضی اموال اهالی (بیابان) را ضارت نموده است باسم اینکه اظهار داشته ایدرعیت انگلیس میباشد کنون بروید جاشک نزد مامورین دولت انگلیس عارض شوید هرگاه گنند بلوچستان مال انگلیس میباشد و چنین خطی بتما دادند که من هم آنچه بردهام معلوم من بعد هم نخواهم گذاشت آسوده باشند . و اگر مامورین انگلیس خط دادند که بلوچستان مال دولت ایران میباشد سلامت مراجعت نمائید آنچه بردهام تمام و کمال مسترد میدارم و نگاه داری میبایم . کاور بجائی رسیده که اهالی (جاشک) و (بیابان) خود را تبعه انگلیس میداند و حق هم دارند . زیرا که مصطفی خان ضابط جاشک و امیر حاجی ضابط بیابان نوکر و مواجب خور انگلیس میباشند . در این صورت رعایا هم این قسم می پندارند . چنانچه این اہم یکی از محترمین اداره گمرک عباسی جبهه امری رفته بود ، (بندر سیریک) از توابع بیابان و در آن حدود با یکی از امراء بلوچی ملاقات نموده بین صحبت اظهار میدارد که شما حق مداخله در بیابان ندارید زیرا که بلوچستان مال دولت انگلیس میباشد و دولت ایران بایشان بخشیده حال ملاحظه فرمائید چه خبر است . اما حق هم دارند که بگویند البته در صورتیکه امیر برکت خان مجرم وطن خواهی بنا بخواهند جنرل قونسل انگلیس مقیم بوشر دریا یکی او را گرفته و حبس میباید و ضابطی بیابان به امیر حاجی که نوکر و مواجب خور انگلیس میباشد منوض میدارد بهتر از این نخواهد شد . امیدوارم کنون که اولیای امور نظر توجه بسوی بلوچستان دارند با اقدامات مجدانه اصلاح حال این سرحد مملکت را عمود باشند

سواد تلگرافی که بخابره بطهران شده

(و جواب رسیده)

طهران مقام منبع والا حضرت اقدس نائب السلطنه مجلس مقدس شورایی ملی رئیس الوزراء دام بقام .

در بلوچستان ایران خود انگلیس سازی امراء

موجب خور جاشك الى جا بهار تمام نادر جزو لشكر انگليس ساخاو مامورين انگليس آمر علاج فوری لازم ، و الا بلوچستان جزو مستملكات انگليس محسوب . تكليد - رواه بودن حاكم مكى مقتدر از مراكز .

(جوب تلگراف فوق)

تلگراف شارسيد ملاحظه شد . از تفصيل مستحصر شدم . محكومت كرمان اكيداً سنارشات لازمه شد . اميدواريم اوليای دولت اقدامات بزرگ در اين سه بان سرحد بنمايد . از اين آلايش و اين گوه عوارضات بك شده و تصفيه شود .

سپه دار اعظم

سندر عباس

واقعات بلوچستان ايران و اقدام غير مشروع و قانون مسايت منمدن خير خواه در قبل عرض شده . بر حسب خطوط وارده ۲۲ ربيع الثاني عدة لشكر انگليس ماتب و اسباب لازمه در بنادر (سپريك) از توابع (بيابان) ابواب همي سندر عباس بياده شده بزم گرفتاری امير برکت خان . اما خود مشار اليه در آنجا نوده و قريب ۵۰ نفر از سكان و عمله جانی كه محصول را جمع آوری می نمودند حاضر بوده قصد گرفتاری ایشان میکنند جنگ واقع و از طرف بلوچها ۵ نفر كشته و يك نفر زخمی میشود از طرف انگليس معلوم نیست ، چون بلوچ بيجاره نتوانسته ماتب بقاء نماید لا علاج عقب می نشیند . دو يوم بعد لشكر انگليس حرکت نموده الی (سرزه) و (اهالی) كه اول خاك بشاگرد می باشد میروند . امير برکت خبر شده از ترس خورد دهنه راه بشاگرد را میندود لشكر انگليس چون ملاحظه میباید راه شات را بسته آمد معاودت به (سپريك) نمود خيمه زن شده اند يكثر اجزاء محرم كمرك تپاسی كته رفته بود سپريك جبهه ملاحظه كمرك و اخذ اسلحه كه امير حاجی بلوچ تصرف نموده بود . چون كاروا باغموال میند مراجعت میباید . دو نفر كه از طرف نائب الحكومه عباسی جبهه اخذ ماليات سنه سابق و قرارداد ماليات هذه السنه با امير حاجی رفته بودند نیز مراجعت نكرده ، میگویند امير حاجی ایشان را

نگاه داشته كه من بسته انگليس می باشم و بيابان مال انگليس است دخلی بدولت ايران ندارد . در هات تاريخ نیز در جاشك از طرف مامورين انگليس ۲۰۰ نفر سرباز رفته و خانه نشيمن امير برکت خان را خراب و منهدم ساخته محصوليكه در صحرا داشته تماماً را آتش زدند و نخیلات را قطع نمودند . همین كته خبر بپاسی رسيد چون مصباح ديوان رفته بود بوشهر منشی اش تلگرافاً خبر داد و يکروز بعد جواب رسيد با اول وسيله خودم با استعداد لازم میباشم .

حال ملاحظه فرمایید چه میگامه ریا است و ابدأ اوليای امور ملاحظه حال این حدود و لشكر كشی انگليس در خاك ايران و تعاقب يکنفر ايرانی كه جرمش جز وطن خواهی و اسامت ایشان نكردن چیزی ديگر نیست و آتش زدن محصول و قطع اشجار و هدم خانه در داخله حمايت نمی نمایند . و آنچه وطن خواهان فریاد نمایند و مدیریت جراید درج نمایند بگوش کسی فرو نمی رود تمام اميدواری این ملت فلك زده بسوی اقدامات عاقلانه والا حضرت نائب السلطنه و این كابينه جديد می باشد . اگر اندك تسامح ورزند بلوچستان از خرابی ايران منصل و از مستملكات انگليس محسوب میشود لشكر كشی انگليس به سواحل مكران كته دسته قشون انگليس با جہازات جنگی كته هتم اپريل از بمبئی بطرف سواحل مكران حرکت کرده بود ۹ می مراجعت به لشكر كته بمبئی نمود . جہاز (هي بلاثر) سردسته جہازات جنگی انگليس در دریای هند كه بجم ماه می از جا بهار روانه شده حامل نائب اميرالبحر (سرادمند سلید) بود و جہازات (هاردينك) و (نارت بروك) افسران و افراد قشون و قورخانه و توب خانه وسایر لوازمات جنگی را مراجعت داد . جہاز (هاردينك) چهارم می از سپريك حرکت نموده از راه بنجی و جاشك روانه شد . جہاز مذکور حامل ۲۵ نفر انسر انگليس و ۵۰ نفری ۳ نفر معاونین مريضخانه و ۶۶۷ نفر قشون با ۲۲۵ قاطر بود . جہاز (نارت بروك) چهارم می از سپريك حرکت نموده از راه جا بهار روانه شد و حامل ۲۴ افسر

هندي و بك نگر ناطر ذخيرة مريضخانه و ۶۷۷
نفر قشون بود

(ماوريت قشون فوق درخليج)

قوة بحري وري که هفتم اپريل از بمبئي روانه
و تفصيل آت در فوق گذشت روز دم وارد
کک شد قشون قاطر و ذخيره بياده نمود و جهازات
(هي فلاثر) (هاردينک) و (نارت روك) به مسافت سه
الي چهار ميل از خشکي لنگر انداختند ، قشون
به اراد به گاه که به مسافت دو ميل بود حرکت
نموده ، فقط دسته بجهت حل بار و نه مانی ماند ،
شب دوم ورود شهرت بي اصلي داده شد سبب اين
بود که يك نفر از سرماز های بياده هندي تفنگ
خود را از دست داده بود ، مقدمه الجيش اردو
کنار رود خانه راه که هفت ميل و سه طرف شمال
است ورود نموده روز ۱۵ اپريل هفت ميل مسافت
پيموده و هر روز دور تر ميشدند طی اين راه کار
بسيار مشکلي بود مابقي تقريباً هفت دمه از
رودخانه راه عبور نمايد و آب تا زانو می آمد
اگرچه افراد قشون از هر جهت توانا ولی چون
زانوهای آنها از هوا و آفتاب محفوظ نبود صدمه
خورديد در هر حال قشون از اين راه های
سخت با هموار پيش رفتنه ۱۶ اپريل وارد
بت شد ، در بنت قشون با اساعيل خان بود در
درماری که کرنل (دلامن) نمود معلوم شد که
افغان ها بطرف شمال به مسافت بيست ميل به قانچ
پس نشسته اند جانی که فقط ممکن است از بت از
يك راه رفت ، به اصرار اساعيل خان اردو پيش
رفته تا عصر ۱۸ اپريل مسافت ۶۱ ميل طی نمود
روز بعد ۲۱ ميل ديگر برين مسافت (مسافت های
حاولانی بي حاصل) افزوده شد ، بعضی از سرمازها
بترود و بدل نموده ۳ نفر از طرف انگليس ها
زخمی شدند

یکی از مقاصد اين لشکر کشی گرفتاری مير
برکت خان که محل يشرفت اغراض انگليس در
خليج و بنادر مکران است بود چنانچه اخبار طمس
بمبئي مینويسد

و وقایع نگاری که همراه اردوی مکران بود به
ما خبر میدهد ، بعد از اینکه قشون در کک روز

دم اپريل بياده شد دسته سيصد نفر سوار بر قاطرها
و شترها بطرف بنت روانه شدند چون علامتی از
افغانها در آنجا دیده نشد مراجعت به بندر گاه
نموده پس از توقف ۱۲ روز در خشکی سوار بر
جهازات شدند ، از کک کشتی ها به جانب سيريك
در خليج فارس حرکت نمود ، صبح ۲۴ اپريل
از (جهاز هاردينک) قشون بياده و همان روز الي
ساعت ۲ بعد از ظهر ۶۰۰ نفر و ۲۴۰ قاطر و
آدوقه بجهت ۱۴ روز به خشکی آمده بودند ، وقتی
نظر بياوريم مسافت يك ميل با يك ميل و نیم را
که جهاز لنگر انداخته بود بياده شدن قشون کار
بی اطمن نبود ، اين قشون بياده شد بجهت تبیبه نمودن
مير برکت خان

حالات مير برکت خان را که وقایع نگار مخصوص
طمس داده ساعاً در اخبار داده ام در بیان سرداران
هلوج در مکران ايران کسی که حصه در قانچ
اسلحه ميگرفت و هيچ طور خسته کی به او راه نمیداد
مير برکت خان حاکم بیابان بود ، تا وقت گرفتاری
او در ماه مارچ ۱۹۱۰ شخصی با حرارت تر از
اقران خود بود ، از پشت کاری که داشت فائده
کلی بر میداشت ، از رفتار او دولت ايران در آن
صفحات بجهت اختبارات خود مکران بود ، روزی
ب دست دريايی کسی یا حاکم بنادر که مخصوص اين کار
مامور شده بود در جهاز برس پليس گرفتار آمد
در آگست گذشته اسباب فرار خود را فراهم آورده
به بیابان برگشت اين وقتی بود که اقدامات انگليس
نفته قانچ اسلحه را از هم پاشيده بجا رفت تفنگ
روتنی داشت ضدیت مير برکت خان از اين نقصانی
که از موقوف شدت معامله تفنگ بر او وارد
آمده بود نسبت به انگليس زياد شده اگر جمله
به یکی از تلسکراف خانه ها بشود احتمال ميرود رئيس
آن گروه باشد

بموجبی که در پارلمان انگليس اظهار شده خرج
این لشکر کشی نهمین دو بیست هزار روپيه شده است
ما هيچ توقع از وزراء نداريم ، اين آقایان
امتحان خود را درين يك سال و نیم يا دو سال
داده خوب شدن را بپالم معرفی نموده اند ، از اقدامات
همين آقایان و امثال آنهاست که لشکر اجنبی به
داخله مملکت ميرود و افسران آنها در خاک ايران

در بار مینایند از خدمات همین وزراء عظام است که لشکر بیگانه بقول اخبار طمس در صد گرفتاری میر برکت خان که رعیت ایران و در خاک ایران است برمی آیند. امروز مبدواری ما قطعه والا حضرت نایب السلطنه است که توجه به بنادر فرموده دروازه مملکت را پیش از این بی باسیان نگذارند و جلوگیری از تعدیات و تجاوزات خارجه فرمایند

مکتوب یکی از طاهورین رسمی بندر عباس

(۸ ربيع الاول سنة ۱۳۲۹)

دو جریده جبل المتین نبر ۴۰ شرحی در خصوص مصباح دیوان درج شده چون مندرجات نامه انسانی دارای اهمیت است محض رفع اشتباه عرض میکند.

روز چهارم در مجلس مقدس مصباح دیوان طهران بود شنیده شده که خدمتی به اباخوف نمود و انصافی دریافت کرد بعد از آن به بنادر آمد نایب الحکومه بندر عباس شد. کافاضی غارت و مشاراً الیه بحکم دولت معزول گردید بقونسواگری انگلیس متحصن و شرف او ظاهر شد او را اطمینان دادند بیرون آمد بدریاسی مواضعه و منعقد گردید که رضایت اهالی را که از او شاکی بودند بپوشانند. مسئله همین که کن پیش آمد حسن خدمت جلوه داد سودی نیافت اعوانش بنای اغتشاش گذاردند هج و مرج بالا گرفت نامه خارجه را کشته یافتند قائده مترتب نگردید همان ایام حسین خان بهارلو بدر عبال نصرالدوله وارد عباسی شد اسب و الاغ تقدیم مشاراً الیه کرد او هم برای هم دستی قول داد آخر الامر دریاسی اهالی را احضار و مجلس منعقد و خواهش کرد که اگر مصباح دیوان هم مهلت باشد قبولش نمایند. ناچار حق بقضا داده و تسلیم شدند باز مصباح دیوان نایب الحکومه شد. میناب ضمیمه بنسادر گردید فتنه میناب را برپا کرد تخمیناً چهار هزار تومن اموال علی خان مینا پیرا غارت نمود. چهار هزار تومن تعارف و جریمه گرفت. صد هزار تومن ضرر عمومی وارد آورد. هفت هزار تومن خرج تراشی کرد. هزار و دویست تومن بسم ساختن برج از رهایای بیچاره گرفته و برجها را نساخت. در آن اثنا پسرهای حسین خان بهارلو با اشرار در اطراف بندر عباس

از هیچگونه شرارت فروگذاری نمودند. کردند آنچه کردند. پس از آن اهالی شمیلات را یانی قلمداد توب و تنگنهی بانجا فرستاد بر مرد و زن و طفل ابقا نکردند خانه ها آتشی زدند. بانواع و اقسام اذیت و چوب کاری و داغ و الجک هر چه توانستند ظلم و غارت کردند. قوافل دو چار قطار طریق خنایکی شدند. بانصد تومن از قافله رود باری جریمه گرفت انهام دخترهای اطراف عباسی را هوش آن بول به اسیری بردند تقریباً بیست و هفت هزار تومن از یدات کرکی و مالیات علی بسم محافظت بندر عباسی خورده و یکصد نفر تنگنهی داشته. محض اغفال و پیش بینی برای خرج تراشی هذه السنه و زیاد کردن عده تنگنهی و باین اسم تمام مالیات را نوشجان نمایند بدستور العمل دریاسی جی را از اطراف طلبیده روزی دو قران داده بعد از آنکه سان داد مرخص نمود چون دریاسی معزول شد و حسین که کن نیامد استمداد نیز لازم نشد و از پوشهر فرستادند اگر حکومت نمودن این است. زابر خضر تنگستانی و رئیس علی دلواری بمراتب مرتب شده. اگر حفظ کردن سرحد این است پس برباد دادن مملکت و خیانت چیست ؟ و دشمن وطن کجا ؟ و استبداد کدام است انصاف بین هندوز مرکب تلگرافاتی که از بی استمدادی نایب الحکومه بطهران وغیره مخبره کرده اند خشک نشده هنوز مندرجات جراید از نظرها محو نگردیده نایب الحکومه اینجا میخواهد جزوه دهد که دولت مواجب سبصد نفر تنگنهی داده و او بانصد نفر گرفته است. آفرین باین جلاکی و شرق دست. اگر غیر از این بود کجا طرف، ونوق و اعتقاد و محل اطمینان دریاسی واقع و یکصد نفر مسلمانان فدای اغراض نفسانی او میشدند و دویست هزار تومن اموال رهایا بهوای نفس او بتاراج و غارت میرفت و بدون مؤاخذة و مسئولیت می ماند. البته آنهایکه بصیرت بایکوه ترتیبات دارند اهمیت تلگرافات و این اوضاع را بخوبی میدانند و از فراهم آوردن ترتیبات مذکوره معلوم است. مصباح دیوان بجاه هزار تومن از مالیات و تقدیمی و خرج تراشی و رشوه و تعارف و جریمه و منافع فشنکها که فروخته برای حفظ نفس او کافی نیست و میخواهد جان بگذشت

توسعت بچاره شمیلا ترا بگیرد. همین جهت در هفته
قبل روانه بوشهر شده است که عمل اساله را
قطع نماید انشاء الله جناب موقر الاوله که
مجسمه عقول و دانش و قانون خواهی هستند یک
نفر نایب الحکومه قانونی و مان برسق رای بندر مجلس
کبیل فرمایند بلکه قانون بر ریت از اینجا هم
مرتفع بشود.

تسلیمت و حقوق شناسی از کرمان

در شماره (۳۰) اخبار جبل المتین خبر فوت
مرحوم آقا میرزا احمد فرزند دلیند جناب حاجی
محمد حسن تاجر کاشان تمام دهستان قدیمی ایشانرا
مقام ساخت خداوند مان جناب صبر عما فرماید آن
جناب وسایر ناز ماندگان ایشان را تسلیمت میگوئیم
جناب حاجی محمد حسن صاحب متجاوز از چهل
سال است که در عیثی و غیره توطن دارند اول وطن
پرست خیر خواه عامه. متدین متقی که خان و مال
و عمر گرامیه را صرف حب و سن خدمت امانه
و من نموده بشمار است. مکرر اواب رجوع ایشان
را گرفتار نموده صدمه و تجارت ایشان خورد.
بواسطه بانی حضرت و مکی بیت مجدد رفع شده سی
سال قبل بگازند. را که طرف رجوع حواله و
دوستی ایشان بودم ملامت می نمودند که چرا باید
و حوالت خود را بغل مستشیده بیایند ظرف و
بارچه و فلان بوطن خود حل نمایند یکدفعه نامه
برده بدهید مطابق آنها در اصفهان. کاشان. یزد
کرمن بسازند یا به نافتد آهنهای اعاب دار ماندک
زمان معیوب لاکن مس خود شا صد سال ماقاست
بمحض چرکین شدن سفید میکنند بارچه های شارا
اهالی هند میخرند کار دست و با و کار ماشین مثل
فوشن با دست و ضعیف با ماشین است

قبرستان مغلیه در بمبئی جای بود که کشفیات
و تفالته شراب و ماهی گندیده میبرختند این راد
مرد وطن پرست دامن عبرت بکمر زده زمینی
از دولت درخواست کرده با وجود ملامت همکاران
بآرفتن اعانه و پول خود بنای سنا پور را گذارد
که امروز بهترین قبرستانهای هندوستان میباشد و پایه
سر بلندی مغلیه است. در رواج اعانه ایران و ترقی
آن خود داری نداشت و ندارد. همیشه ایرانی هارا

نصحت می نمود که خریداران خارجه قیده جنس را
بواسطه پاک و تمیزی ظرف دو مقابل میدهند از
بسکوت مرما آلات. حق بخود و کشتن در جبهه ما
شبه ما با مناف های متعدد و قیده گزاف میخرند
حق ایرانی خودش میخورد شش دانه ملوی سیاه را
خود ایران شش آه میخورد لاکن در ایران
خرهار ها ریخته عم فرستادن و تجارت میدارند.
ماذا ساجه رای پاک اردن و بستر بیه برفسانجان
فرستاد و امتیاز او را خواست عمال مبلدی پیشکن
خواستند افسرده شده نداد سنجدهای دیگر آوردند
یکذره عامل ایشان کلی ما خرج خانه و ابار و غیره
کرد. مبلدی حورده همه بر حاصل و از میان رفت
در مدت چهل سال کسی که در خارجه در بیان
مذاهب مختلفه زندگان باید نماز را جز اول وقت
نحواند و نماز شب را ترک نماید حی حیرت است
خدمات دیگر از ایشان نسبت بنده و ملت حقه
حضری روز کرده که از افشای آفت مذکوریم
حماوند ایشان را پادش و ماجور فرماید و صبر
دمد (درست قدیمی ایشان - الاحسین کرمانی)
اصلاً از کرمان

از ورود حضرت والا ایالت جلایله آقای
جلال الدوله فرمانفرمای کرمان و بلوچستان قلب
مامیت این ایالت شده با اینکه حالت رعادت اخبار
نگاری ندارد و جز یکدفعه دیدن رسمی زیارت
ایشان نرفته شهادت امیت در تمام شر و بلوکات
هم رسیده راه یزد راه بم راه بندر راه خراسان
تمام امن و قوافل در تردد اگرچه شتری ماق
مانده که مار کفی نمایند تمام شتر قاطر الاغ کاو و
کوسند این خطه را فارسی ها بردند. و هر فارس
نزد عرب و هزارلو موجود است چهار ماه قبل
می باست اردو به بلوچستان رود که تمام سرحدات
را گردش نماید یکگاه بید ماند. آهم بهمت وسی
ایالت جلایله اردوئی تهیه نموده با سردار نصرت
وئیس قشون ماهور بلوچستان فرمودند چون وقت
گذشته و هوای بلوچستان گرم می شود مشکل است
کاملاً انتعمانات داده باشند لاکن مسلم است این غفلت
از مرکز بوده که از کثرت گرفتاری
سرحد دور دست را فراموش فرموده بودند چون
نیت ایالت خیراست و جداً در اصلاح ادارات سی
دراند امید است اگر مدتی در کرمان توقف

فرمانند و از یاور گویان افسرده نکردند این آیات
 نزدی مرتب گردد چون هنوز اشخاص بیچار
 بیکار که از بد گشتن و بد نوشتن دخل برده ،
 وجود دارند گاهی شب نامه نوشته مزخرفات بهم
 یاتمه به یاجه ایاء وطن افتاده عیب جوفی می نمایند
 کسی نیست به این اشخاص بگوید در دولت مشروطه
 نوشتن و گشتن حرف حق آزاد است . اگر ابرادی
 دارید ادارات فاش بگوئید و با دلیل مدال دارید ،
 شب نامه نوشتن هر حال و کناس نیز قادر است
 هر چه میخواهد برسد چه حاصل دارد جز آنکه
 من طب نهوع آورد امروز که حکمران مقتدر
 مشروطه خواهی دارید انجمن های معقولانه تشکیل
 داده در اصلاحات وطن سعی نمایند راه چاره را
 پیدا و تقدیم آیات نمایند

شهر شما حکم همراه را دارد . مساجد ما خراب
 حمام ها دارالامراض ، فبرستان ما که تزوج بخون
 و گوشت نیاکان ما باشد . ممبر عام . هر روز تا
 شام مسلمان گبر یهود و نصاری بلکه حیوانات بر
 آنها لکند گذارند عبور می نمایند ندیه مراتب نیست
 انجمن او را اصلاح نمایند اسباب نمایند تمام این
 اصلاحات از بول خود منت باید تسر و اصلاح
 گردد اگر غیرت دارید حب وطن دارید چندین
 هزار دخترهای شما در کارخانه های قالی بافی مخلوط
 با جوانان وحشی عاقبت حال آنها معلوم است
 گنگو نمایند زب را از مرد سوا نمایند عصمت
 برستی نمایند صنایع خود را ترقی دهید از احتیاج
 خارجه بجات یابید بکنفر فرستید شمع سازی ساون
 سازی نیل سازی یابوزد سالی مبلی بشا فایده
 میرسد بلکه در شهرهای دیگر هم فروخته می شود
 ما با نهایت صحت خالی از اغراق شاعرا می توانیم
 مدال داریم که در خطه کرمان و بلوچستان در
 مدت ده سال اگر ملت و دولت جداً مایل ترقی
 این خاک زر خیز باشند میتوان تمام لوازم زندگانی
 و تعیش انسانی را کاملاً از خود این خاک عمل
 آورد . از منسوجات از قند ، شکر ، جای ، نفت ، فلفل ،
 زنجبیل ، زیرا که هم گرمسیر و هم سردسیر دارد
 گرمسیر بی وطوبت و گرمسیر با رطوبت دارد .
 چینه ، پشم ، کرک ابریشم این ملک بر انبیر است .

زرگری این شهر تجربه کرده ایهاگر تشویق باشیم
 نظیر مردم چین می سازند هندوستان مجاور این خاک
 است معلم و غیره بجهت نیل سازی بجزشی مبلنی ممکن
 است جلب نمود در سرحدات بلوچستان و مکرانات
 درخت های هندوستانی مثل امب و غیره مثل موز
 موجود است راعها همه صاف بجهت عبور سهل و
 آسان به يك امنیت بلوچستان و ساختن راه شوسه
 همه مردم بیکار امکان دارد بروند بخرج کردن
 صد تومان دویت تو . هزار تومان مالک دهات
 و فنوات چند کردید نه هن سال چند خروار
 غله حاصل نماید

ایدا احدی در این خطوط سیر میکنند آنها
 هم که معدودی هفت خور و بیکار دست آنها نمی
 است هنر آنها آهم در دولت مشروطه و آرادی
 فلم شب نامه می نویسند غرض بیکار میباشد قلوب
 وطن خواهان را میربجاند بی

(ما فشانه نور و سگ عوعو کند)

(هر کسی بر فطرت خود می تند)

مشروطه خواه و محب وطن کسی است که دشمن
 های دین را دوست نماید هندوستان را زجر نماید
 حضرت والا این ایام که قیمة گندم بالا رفته
 و نان گران شده سبب گرانی هم خود اصناف
 می باشند که چون از قالی دخل دارند هر قیمة
 اجناس را در ملاحظه میبخرند محض معدودی فقرا
 و ضعیفا و کسبه دیگر گندم را امر فرمودند
 از دیوان ساوا داده نان را با نهایت خون
 بدوشت که و کاست یکم بکفران و شش شاهی
 فروشنده کاشته حضرت والا فرمانفرما وزیر جنک
 که شخص خیری است محمد رضا خان نام دارد تا
 بر خرمن تعهد این خدمت را نموده خدا همه
 پاداش دهد

خبر طبع

نایب حسین کاشانی و محمد علی کن آبادی روز
 ۱۴ ربیع الاول وارد طبع و روز ۲۳ خارج شدند
 اهالی چون در شهر محصور بودند بانها دست نیافت
 ولی در خارج هر چه دید فارت کرد و شکست و
 سوخت و بطرف جندق مراجعت نموده و در
 عرض راه محمد علی با یازده نفر سوار از او جدا